

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۱۹
جمعه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۰ - ۷ مه ۲۰۲۱



من کارگرم
صدای آبانم
اجرای نمایش خیابانی در قلعه حسن خان

شماره صفحه:

در این شماره انترناسیونال:

- ۳ و ۱ گرایش سوسیالیستی در ایران در حال نیرو گرفتن است. سخنرانی محسن ابراهیمی
- ۳ و ۲ طبقه کارگر یک نیروی سیاسی زیر و رو کننده است. سخنرانی حمید تقوایی
- ۴ اول مه اعلام کرد که آینده ایران سوسیالیستی است. سخنرانی اصغر کریمی
- ۵ گزارشی از مراسم یادبود فریده آرمان عزیز در شهر مالمو. حسن صالحی
- ۶ احکام سنگین زندان برای تروریست های حکومت اسلامی. کاظم نیکخواه
- ۷ به یاد فرزاد کمانگر و یارانش. عبدال گلپریان
- ۹ و ۸ اصلاح طلبان و کابوس یک انقلاب. محسن ابراهیمی
- ۱۰ نامه اعتراضی شیوا محبوبی به دولت انگلستان
- ۱۱ روزه خواری کودکان، آزادی مذهب یا کودک آزاری. کریم شاه محمدی
- ۱۱ چهار سال از فاجعه معدن "یورت" گذشت. محمد شکوهی
- ۱۲ جلوه ای از همبستگی جهانی با کارگران ایران در اول مه. شهلا دانشفر
- ۱۳ لیست کمک های به تلویزیون کانال جدید
- ۱۵ و ۱۴ ویژه گزارشات از مراسم اول ماه مه
- ۱۸ و ۱۷، ۱۶ از مدیای اجتماعی حزب
- ۲۰ و ۱۹ اطلاعیه های حزب

بدینوسیله از اظهار همدردی احزاب، نهادها و دوستان عزیز که به طرق مختلف نسبت به درگذشت فریده آرمان عزیز همدردی کردند، از ارسال پیام، شرکت در برنامه گرامیداشت او و یادداشت های گرامتاز صمیمانه قدردانی میکنیم. همدردی ها و محبت های شما تسلائی خاطر بزرگی در این غم سنگین بود.

اصغر کریمی

از طرف حزب کمونیست کارگری ایران

گرایش سوسیالیستی در ایران در حال نیرو گرفتن است!

سخنرانی محسن ابراهیمی در مراسم اول مه کانادا

سلام به همگی
در عراق، سوریه و لبنان و سایر مناطق سازماندهی کرده است. رژیم است که بسیاری را به خاطر اعتقادشان زندانی کرده است.

مفتخرم که در این مراسم هستیم و اول مه را تبریک میگویم.

این واقعت دیگر دانسته عموم است که ثروت ۲۶ فرد ثروتمند برابر با ثروت نیمی از جمعیت کره زمین است. همین به تنهایی نشان می دهد که سیستم سرمایه داری چقدر غیرانسانی است. شکی نیست تا زمانی که سرمایه داری برچیده نشود، میلیاردها فقیر در سراسر جهان چهره خوشبختی و موفقیت را نخواهند دید. بدون شک جمهوری اسلامی ایران وحشی ترین و ارتجاعی ترین رژیم در بین دولت های سرمایه داری است. سرنگونی یک پرواز مسافری، اخیرترین جنایت فجیعی است که این رژیم مرتکب شده است.

کارگران در ایران از ابتدایی ترین حقوق مانند حق تشکل، حق اعتصاب، حتی حق برگزاری جشن اول ماه مه محروم هستند. دستمزد آنها پنج برابر زیر خط فقر است، در بسیاری از موارد حتی این دستمزد هم بطور منظم پرداخت نمی شود. این رژیمی است که زندانیان سیاسی را قتل عام کرده و پیکرشان را در گورهای دسته جمعی ناشناخته ریخته است. این رژیمی است که به طور سیستماتیک حقوق زنان را نقض کرده است. رژیمی است

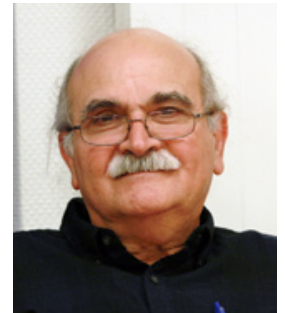
کارگران در ایران از ابتدایی ترین حقوق مانند حق تشکل، حق اعتصاب، حتی حق برگزاری جشن اول ماه مه محروم هستند. دستمزد آنها پنج برابر زیر خط فقر است، در بسیاری از موارد حتی این دستمزد هم بطور منظم پرداخت نمی شود. این رژیمی است که زندانیان سیاسی را قتل عام کرده و پیکرشان را در گورهای دسته جمعی ناشناخته ریخته است. این رژیمی است که به طور سیستماتیک حقوق زنان را نقض کرده است. رژیمی است

ادامه در صفحه ۳

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

طبقه کارگر یک نیروی سیاسی زیرو رو کننده است

سخنرانی حمید تقوایی در مراسم آنلاین حزب کمونیست کارگری در بزرگداشت اول



حمید تقوایی

اجازه بدهید ابتدا روز جهانی کارگر را به همه کارگران در ایران، در سراسر جهان و به همه مردم آزاده نیا، باصطلاح امروز ۹۹ درصدیها تبریک بگوییم. روز جهانی کارگر روز بچالش کشیدن سرمایه داری است. بچالش کشیدن نظامی که بر همه دنیا مسلط است و مسبب و ریشه تمام مصائب و تبعیضات و نابسامانی ها در دنیا است. از وضعیت کارگران در همه کشورها که در سطوح مختلف با ریاضتکشی اقتصادی و محرومیت از یک زندگی در خور شان انسان قرن بیست و یکمی، و در کشورهایی مانند ایران با انواع معضلات و بی حقوقی و سرکوب مواجه است و دست و پنجه نرم میکند، تا بخش اعظم مردم جهان که تحت انواع تبعیضات و مصائب قرار دارند.

مقابله طبقه کارگر با سرمایه داری تا به امروز دستاوردهائی داشته است که فقط به طبقه کارگر منحصر نیست بلکه تمام جامعه از آن بهره مند شده است. امروز اگر می بینیم که یک سطح نسبی از رفاه در کشورهای غربی وجود دارد، یا برای زنان و برای بخشهای مختلف جامعه حقوقی برسمیت شناخته میشود، سن بازداشتستگی برای همه پائین آمده و یا ساعات کار محدود شده و بیمه های بیکاری واجتماعی و غیره عملی شده، همه نتیجه مبارزات پیگیر کارگران است. بدون مبارزات طبقه کارگر در طی بیش از دو سده چنین پیشرفتهائی ممکن نبود. این جنبش طبقه کارگر

” از جوان و زن و بازنشسته و معلم و بقول خودشان دگر اندیشان و رنگین کانی ها و مردم منسوب به اقلیهای مذهبی و ملی و غیره غیره، تمام اینها زیر این تیغ هساتند و طبقه کارگر در پیشاپیش این صفوف پرچم مقابله با پرونده سازیهای امنیتی و قوه قضائیه و بازداشت وزندان را بلند کرده است. و چهره های جنبش کارگری به عنوان رهبران این عرصه شناخته شده اند.

و چه بدانند یا ندانند همسننوشست با طبقه کارگر اند، همسننکر طبقه کارگر اند، همراه طبقه کارگرند. آن افق و آینده ای که میتواند که همه مردم را نجات بدهد و ضمانت رهایی بشریت از

این چنبره و قید و بند و رنج و محنت سرما به داری باشد پرچمش را طبقه کارگر بلند کرده است. یعنی پرچم سوسیالیسم را. به این معنا

حق آزادی بیان و غیره همه اینها نمره مبارزات طبقه کارگر است. بنابراین وقتی میگوئیم روز جهانی کارگر روز نود و نه درصدیها است این فقط یک شعار و یا یک حکم تحلیلی و یا خواست و آرزو نیست بلکه یک معنای واقعی دارد. یک معنی عینی و تاریخی دارد.

نود و نه درصد مردم جهان که در استثمار و سوداندوزی آن یک درصد سرمایه دار منفعتی ندارند خواه ناخواه

گفت سطح تمدن را در کل جهان ارتقا داده است.

امر و تاثیر جنبش کارگری در ایران و در همه جهان فقط تحقق خواستههای خود طبقه کارگر بعنوان یک صنف تولید کننده نیست، بلکه مبارزه ای است بسیار سیاسی تر و اجتماعی تر و همه جانبه تر برای ارتقای زندگیها و قوانین و سطح رفاه و سطح فرهنگ و تمدن در همه دنیا. از حق رای به زنان بگیرد تا حقوق کودک و برسمیت شناسی

است که مثل یک موتور، مثل یک نیروی تحول بخش، سطح زندگی، سطح رفاه، سطح فرهنگ، سطح قوانین در جوامع را ارتقا میدهد. علیرغم اینکه در هر قدم با مقاومت دولتها و سرمایه داران روبروست مبارزه میکند و قدم بقدم به پیش میرود. و این جنگی است که افت و خیز دارد. در دوره بعد از فروپاشی شوروی بسیاری از این دستاوردها پس گرفته شد. ولی همچنان این مبارزه ادامه دارد. مبارزه ای که باید

ادامه از صفحه ۲

روز جهانی کارگر گره میخورد به جنبش کمونیستی، به جنبش سوسیالیستی، هم از نظر تاریخی و عملی و هم از نظر مضمونی و سیاسی.

جامعه امروز ایران نمونه و مصداق بارز و عربان این نقش اساسی طبقه کارگر در زندگی سیاسی و اجتماعی همه مردم است. در ایران جنبش کارگری نهادی دارد، چهره هائی دارد، فعالیتی دارد که بطور سراسری بعنوان پرچمداران مبارزه در تمام سطوح علیه جمهوری اسلامی شناخته شده اند.

امروز یکی از مسائل اساسی جنبش کارگری افزایش دستمزدها است. دستمزدها در ایران از یک پنجم خط فقر هم کمتر است. و امروز کارگران خواست حداقل ۱۲ میلیون را مطرح کرده اند. ولی بر سر همین خواست مشخص هم که به نظر صرفاً به کارگران مربوط میشود بینیم مبارزه از سطح کارگران فراتر رفته است. امروز معلمان و بازنشستگان و بخشهای مختلف جامعه یک صدا این خواست را مطرح میکنند. از جمله در اول مه امسال و قبل از آن در تجمعات اعتراضیشان. میخواهم بگویم حتی مساله دستمزد که خاص طبقه کارگراست در ایران امروز بطور مشخص پرچم بخش وسیعی از جامعه است.

ولی جنبش کارگری از این فراتر رفته است. مساله پرونده سازیهای امنیتی و این خواست که مبارزات و اعتراضات چه در جنبش کارگری و چه جنبشهای دیگر باید غیر امنیتی بشود و رژیم حق ندارد به بهانه حفظ امنیت فعالین را دستگیر و سرکوب کند، این پرچم را جنبش کارگری، چهره های مشخص جنبش کارگری، بلند کردند. و این مساله فقط کارگران نیست، مساله همه بخشهای جامعه است. از جوان و زن و بازنشسته و معلم و بقول خودشان دگر اندیشان و رنگین کمانی ها

و مردم منسوب به اقلیتهای مذهبی و ملی و غیره غیره، تمام اینها زیر این تیغ هساتند و طبقه کارگر در پیشاپیش این صفوف پرچم مقابله با پرونده سازیهای امنیتی و قوه قضائیه و بازداشت وزندان را بلند کرده است. و چهره های جنبش کارگری به عنوان رهبران این عرصه شناخته شده اند.

همین طور در رابطه با خواست آزادی زندانیان سیاسی، از درون زندانها چهره های جنبش کارگری اطلاعیه و بیانیه میدهند و اعلام میکنند که زندانی سیاسی آزاد باید گردد. و این هم یک خواست و شعار عمومی است. از طرف دیگر کارگران و نهادهای کارگری به مناسبتهای مختلف، در هشت مارسها و بویژه در اول ماه مه ها علیه بیحقوقی زن، علیه اعدام، علیه فساد و علیه شکاف بین فقر و ثروت، و در همبستگی با معلمان و بازنشستگان و دانشجویان و مادران دادخواه و بخشهای مختلف جامعه بیانیه و قطعنامه میدهند و از حقوق توده مردم دفاع میکنند.

به این معنا در ایران مشخصاً جنبش کارگری پرچم رهایی جامعه و نود و نه درصدیها را بلند کرده است. و بطور مشخص با شعارها و نهادهای چهره های معین در هر عرصه ای پیشتاز است.

این موقعیت ویژه ای است. در تاریخ ایران بیسابقه است. حتی میتوانم ادعا کنم که امروز در سطح دنیا کمتر جایی را می بینید که جنبش کارگری این ثقل و این جایگاه را داشته باشد.

این ناشی از شرایط سیاسی ایران است. جمهوری اسلامی منجلا ب سرمایه داری است. این حکومت وحشی ترین، عقب مانده ترین، وضد انسانی ترین حکومت سرمایه داری در عصر ما است. به همین خاطر است که طبقه کارگر این وزن و ثقل را در جامعه پیدا کرده است.

در سطح عمومی تری آنچه در

سال گذشته شاهدش بودیم این بود که طبقه کارگر حتی آنجا که بر سر خواستههای صنفی و شرایط معیشتی خود مبارزه میکرد، مثل اعتصابات هفت تپه و فولاد اهواز و اعتصابات سراسری کارگران نفت، سیاستهای کلان اقتصادی حکومت را بزیر سؤال می برد.

مخالفت با خصوصی سازی ها، که معنائی بجز فساد و دزدی و چپاول ندارد، و مقابله با فساد کل حکومت، همانطور که در سخنرانی کارگران در کلیبی از تجمع کارگران هفت تپه دیدیم، یک امر مهم جنبش کارگری است.

از سوی دیگر کارگران صنعت نفت که به شکل سراسری دست به اعتصاب زدند مسله پیمانکاران و واسطه ها و قراردادهای موقت را زیر سؤال برده اند و خواستار آنند که دست پیمانکاران کوتاه بشود. همچنین خواستار این هستند که مناطق ویژه اقتصادی، مناطقی که دیگر حتی همین قانون کار جمهوری اسلامی هم حاکم نیست و سرمایه داری افسار گسیخته و هار به جان کارگران می افتد، برچیده بشود. این ها گرچه مشخصاً به زندگی طبقه کارگر مربوط میشود در عین حال چالشی سیاسی است. کارگران سیاستهای کلان اقتصادی جمهوری اسلامی را بزیر سؤال میبرند.

این را بگذارید در کنار شعار اداره شورائی که باز طبقه کارگر پرچمش را بلند کرد. در هفت تپه این پرچم بلند شد و مورد استقبال بخشهای دیگر طبقه کارگر و دانشجویان قرار گرفت. طبقه کارگر در واقع اعلام میکند فساد را باید بر بیاندازیم، خصوصی سازیها را باید ملغی کنیم، مناطق ویژه اقتصادی باید برچیده بشود، دست پیمانکاران قطع بشود و همه این بساط باید جایش را بدهد به اداره شورائی. امروز این پیام و نماد و قلب جنبش کارگری در ایران است. و این حرف دل نود و نه درصدیهای ایران است.

طبقه کارگر راه نشان میدهد، میگوید چه پرچمی را باید بلند کرد و چطور باید جنگید. اگر در سالهای قبل این در سطح اطلاعیه و بیانیه ها و گفتمان بود امروز دیگر این کار میدانی شده است. امروز فراخوان تجمع اول مه را بازنشستگان میدهند و معلمان و کارگران و بخشهای مختلف جامعه به آنها می پیوندند. امروز برای اول مه خانواده های جانبازان و مادران خاوران اطلاعیه و پیام میدهند، دانشجویان اطلاعیه میدهند و به صف کارگران می پیوندند. در تهران و در شهرستانها.

درست است؛ جمهوری اسلامی میزند، دستگیر میکند و میکوبد. همیشه کارش این بوده است. ولی آنچه تازه است اتحاد و تعرض گسترده کارگران و بخشهای مختلف مردم است. پیشرویها متعلق به جنبش کارگری است. این جنبش است که هر سال در مقایسه با سال گذشته قدمهای بلندتری بجلو برداشته و فریاد اعتراضی رساتر شده است.

پیام اول مه امسال جنبش کارگری ایران برای تمام دنیا اینست که طبقه کارگر باید بعنوان یک نیروی سیاسی زیر و رو کننده بمیدان بیاید. و در کنار و با اتکا بر حزبش، که در ایران چنین حزبی وجود دارد، و با پرچم نقد همه جانبه و سوسیالیستی سرمایه داری و با پرچم رهایی همه جامعه مهر خودش را بر تحولات بکوبد

این روند را ما در ایران می بینیم. من امیدم این است و تمام تلاش ما این هست که سال آینده سال پیشرویهای باز هم بیشتر و ضربه نهائی به جمهوری اسلامی و به منجلا ب اسلامی سرمایه داری باشد.

۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰، اول

مه ۲۰۲۱

ادامه از صفحه ۱

سخنرانی محسن ابراهیمی

میکند. در ایران جنبشی رادیکال باهدف روشن سرنگونی جمهوری اسلامی و پایان دادن به حاکمیت سرمایه و استثمار آغاز شده است. در سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹، میلیون ها نفر به خیابانها ریختند و شعار "جمهوری اسلامی نابود باید گردد" سر دادند. این معترضان عمدتاً زنان، کارگران، بیکاران، فقرا و تهیدستان بودند. بیش از ۱۵۰۰ معترض قتل عام شدند. تعداد زیادی دستگیر و به حبس های طولانی مدت محکوم شدند.

ایران در آستانه یک تغییر بنیادی است که در آن کارگران با گرایش سوسیالیستی و زنان پیشرو دائماً در حال ریشه دواندن هستند و نقش مهمی ایفا میکنند. این واقعیت را حتی راست ترین گروههای اپوزیسیون هم اعتراف می کنند.

پیروزی یک انقلاب با نقش رهبری کارگران و سوسیالیست ها به یک احتمال قوی تبدیل شده است. با پیروزی چنین انقلابی این فقط کارگران، زنان و مردم تحت ستم در ایران نیستند که رها خواهند شد. چنین انقلابی فوراً تاثیر زنجیره ای در منطقه خواهد داشت. این اتفاق در ایران، مبارزات موجود برای ایجاد تغییرات بنیادی در افغانستان، عراق، سوریه، لبنان و کل منطقه و سرانجام در سراسر جهان را نیرومندتر خواهد کرد. همبستگی جهانی با مبارزه طبقه کارگر و مردم ایران بدون شک به نزدیک شدن چنین روزی کمک خواهد کرد.

نابود باد جمهوری اسلامی ایران!
زنده باد همبستگی بین المللی کارگران!

در آخر دوست دارم بگویم که آرزو میکنم که سال بعد در اول مه همه شما را به ایران دعوت کنیم که جشن باشکوه اول مه را با حضور هزاران نفر برگزار کنیم. جشنی که در آن بالای سرمان پرچم بزرگی باشعار سوسیالیسم نه بربریت در اهتزاز است. خیلی متشکرم.

اول مه ۲۰۲۱

اول مه اعلام کرد که آینده ایران سوسیالیستی است سخنرانی اصغر کریمی در مراسم آنلاین حزب کمونیست کارگری در بزرگداشت اول



اصغر کریمی

فراخوان من به همه مردم، به همه آنها که آزادی و رهایی میخواهند، به همه آنها که فقر و محرومیت و تبعیض و سرکوب و بیحقوقی نمیخواهند این است که با امیدواری و اعتماد به نفس هرچه بیشتر به گرد برنامه سوسیالیستی طبقه کارگر و حزبش متحد شوید و گرد هم آید.

با سلام به عزیزان حاضر در این برنامه و بینندگان عزیز برنامه. قبل از هرچیز از خودت شیرین عزیز و همینطور کیان آذر عزیز که مدیریت برنامه را دارد و سازمان جوانان تشکر میکنم بخاطر این برنامه بسیار حرفه ای و پربراری که ارائه دادید. در عین حال این برنامه انعکاسی از مبارزه پرشوری بود که امروز و روزهای گذشته به مناسبت اول مه اتفاق افتاد. همچنین میخواهم دست صدها فعالی که برنامه های اول مه را در هفت تپه و فولاد اهواز و دیگر مراکز کارگری سازمان دادند، تجمعات روزهای گذشته در شهرهای کردستان را سازمان دادند، صدها فعالی که تجمعات امروز در بیست شهر را سازمان دادند، قطعهنامه ها و بیانیه ها را نوشتند، تمام آنهایی که شاعرنویسی کردند، مادران دادخواه و زندانیان سیاسی و فعالین کارگری که پیام دادند و همه آنهایی که به اشکال مختلف اول مه امسال را را پر بار کردند بفشارم. حدود چهل شکل کارگری، معلمان و بازنشستگان و دانشجویان و فعالین حقوق زن به مناسبت اول مه بیانیه دادند، در بیست شهر تجمعات و میتینگ های اعتراضی برپا کردند، سخنرانی های پرشور و عمیقی کردند که بقول مصطفی صابر انگار برخی از این بیانیه ها را مارکس نوشته و بعضی از این سخنرانی ها انگار توسط مارکس انجام شده است.

اینها اتفاقات بسیار شورانگیز

و جالبی در ایران است. امروز طبقه کارگر گام دیگری به جلو برداشت و قاطع تر از همیشه نشان داد که چه رهبر شایسته ای برای جامعه ایران و انقلاب در ایران است. با بیانیه هایش نشان داد، با تجمعاتش نشان داد و گوشه ای از قدرتش را اعلام کرد. کدام جنبش و کدام طبقه است که میتواند چنین برنامه هایی را در دهها شهر سازمان بدهد، دهها بیانیه بدهد و اینطور عمیق و همه جانبه خواست تمام مردم را نمایندگی کند؟

گفتند درمان رایگان برای همه مردم، واکسیناسیون رایگان و فوری و همگانی، تحصیل رایگان برای همه مردم، رفاه برای همه مردم، گفتند حجاب اجباری باید لغو شود، هر نوع بیحقوقی زن باید نابود شود، به حقوق کودک باید احترام گذاشته شود، مجازات اعدام لغو شود، زندان و شلاق و شکنجه از صحنه جامعه پاک شود، زندانی سیاسی آزاد شود، آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده و اعتراض و اعتصاب و تشکل و تحزب را فریاد زدند. کدام جنبش و کدام طبقه

اینطور کل جامعه را نمایندگی میکند؟ اینطور عمیق، اینطور با قدرت و با احساس به میدان میاید و قد علم میکند در مقابل جمهوری اسلامی، قد علم میکند در مقابل جامعه سرمایه داری و کل مظالم و مصائب که در این جامعه بیداد میکند. و این ادامه هشت مارس امسال بود که بسیار گسترده و اجتماعی بود. هشت مارس هم روزی متعلق به این جنبش عمیق طبقه کارگر است، جنبش رهایی زن، جنبش برابری و عدالت طلبانه.

مادران دادخواه و خانواده های دادخواه تا همه کسانی که عزیزانشان به خاک و خون کشیده شدند، به فقر و محرومیت و نابرابری محکوم شدند را نمایندگی میکنند؟ آنوقت چه کسی میتواند جلو این نیروی عظیم را که جامعه را هم پشت سر خود به میدان میاورد، بگیرد؟

آیا کسی تردیدی دارد که آینده ایران جامعه ای سوسیالیستی است؟ و در چنین جامعه ای خبری از تبعیض و نابرابری و ستم و استثمار و سرمایه داری و ارگانهای سرکوب و جاسوسی و اعدام و شلاق و شکنجه و دخالت مذهب در زندگی علیه مردم نخواهد بود؟ امروز حتی نمایندگان اپوزیسیون بورژوازی هم دارند اذعان میکنند که آینده جامعه ایران سوسیالیستی است. اینها شکوهمندترین اتفاقاتی است که در ایران دارد می افتد و این ویژگی جامعه ایران است. من جایی سراغ ندارم که خانواده دادخواه و نویسنده و بازنشسته و کارگر و معلم و دانشجو و ال جی بی تی کیو کنار هم قرار بگیرند و بگویند زنده باد اول ماه مه و

بیانیه ها و کیفرخواست های متحد و مشترک بدهند. طبقه کارگر به همه مردمی که اتحاد میخواهند نشان داد که تنها طبقه ای است که میتواند کلیه خواست های مردم را نمایندگی کند و جامعه سوسیالیستی را سازمان بدهد.

اول مه امسال روز باشکوهی بود. یکی از دوستان اعلام کرد که امسال سال طبقه کارگر است. امروز طبقه کارگر آینده خوشبخت بیش از هشتاد میلیون مردم رنج دیده ایران را با صدای بلند اعلام کرد و امسال متحدتر و متشکل تر به میدان خواهد آمد. فراخوان من به همه مردم، به همه آنها که آزادی و رهایی میخواهند، به همه آنها که فقر و محرومیت و تبعیض و سرکوب و بیحقوقی نمیخواهند این است که با امیدواری و اعتماد به نفس هرچه بیشتر به گرد برنامه سوسیالیستی طبقه کارگر و حزبش متحد شوید و گرد هم آید.

زنده باد فعالین اول ماه مه زنده باد اول ماه

گزارشی از برگزاری مراسم یادبود فریده آرمان عزیز در شهر مالمو



روز پنجشنبه ششم ماه می ۲۰۲۱ برابر ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۰ مراسم یادبود فریده آرمان در شهر مالمو برگزار شد. در این مراسم به دلیل شرایط پاندمی کرونا تنها اعضای خانواده و شماری از یاران نزدیک وی حضور داشتند.

در این مراسم ابتدا سوسن صابری از طرف سازمان سراسری حق زن به زبان سوئدی سخنرانی کرد. او در سخنان خود ضمن برشمردن فعالیت های وسیع و متنوع فریده عزیز در دفاع از حقوق زنان و کودکان و پناهندگان گفت: سازمان سراسری حق زن یکی از چهره های خوشنام و محبوب خود را از دست داد و این فقدان بزرگی برای ماست. فریده نماد بارزی از انسانیت، صداقت، فداکاری، شور و عشق به زندگی، و نمادی از شهامت

در ادامه این مراسم شمار دیگری از یاران فریده نیز با او وداع کرده و ادای احترام کردند.

منزل آخر فریده آرمان قلب ما و شماست!

متن سخنرانی کوتاه حسن صالحی در این مراسم

مراسم وداع با فریده آرمان داستان عجیبی است. چرا که فریده آرمان همواره در قلب ما جا دارد و بخشی از وجود ماست و در ما نیز همواره زنده است. او خود آشیانه قلب پر

تپش انسانیت بود و در قلب انسانها منزل کرده است. منزل آخر فریده آرمان قلب من و شماست و حتی اگر یک روز ما هم نباشیم هر جا که شعله زندگی فروزان باشد، هر جا که امید و سعادت انسانی بارور می شود، هر جا که انسانها قدمی برای رهایی به جلو بر می دارند فریده هم هست و این چنین یادش و حضورش ادامه خواهد یافت.

لازم است جهت اطلاع دوستان بگویم که بنا به وصیت فریده آرمان جسد او سوخته می شود و با خاکستر این عزیز نازنین ما نیز بنا به درخواست خودش عمل خواهد شد. طبعا در جایی نشانه ای برای



کسی که خود سمبل جنب و جوش برای ساختن یک زندگی بهتر برای انسانهاست هرگز نه می میرد و نه فراموش خواهد شد. یاد عزیزش همیشه جاودان خواهد ماند.

قوی برای تغییر زندگی انسانها می یافتند.

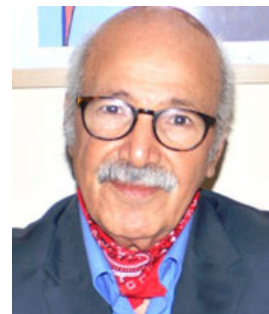
انسان هایی نظیر فریده هرگز نخواهند مرد. فریده تجسم زیبایی زندگی بود و هست و

جا می گرفت تا امیدوارانه خوشبختی را جستجو کنند. او نامی آشنا برای زنان و کودکان و پناهندگان و کارگران و محرومان و ستمدیدگان است که همواره در وجودش اراده ای

یادبود وی درست خواهیم کرد ولی حتی اگر این هم نباشد فریده در خاطره ما و در لحظه لحظه زندگی با ما خواهد بود و هیچگاه فراموش نخواهد شد.

فریده آرمان در سراسر جهان دوستان و آشنایان فراوان داشت و همه او را دوست داشتند. او مثل خوانندگان مشهور نبود ولی نغمه آهنگ دل بود و از همین رو دل های زیادی را تسخیر می کرد. او مثل نقاشان سرشناس مشهور نبود ولی زندگی اش یکی از زیباترین تصاویری است که ترسیم شده است. او در زمره کوهنوردان مشهوری نبود که اورست را فتح کرده اند ولی زندگی اش رسیدن به قله های صعب العبوری بود که کمتر کوهنورد ماهری قادر به صعود به چنین ارتفاعاتی بوده است. فریده آرمان ارتفاع موج بلندی بود که قایق چشمان مردم بر بلندی این موج

احکام سنگین زندان برای تروریستهای حکومت اسلامی



کاظم نیکخواه

بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی

باید سران رژیم و همه آمرین و عاملین کشتارهای

اخیر و کله جنایات جمهوری اسلامی در چهل سال

گذشته تحت پیگرد قرار بگیرند و در دادگاههای بین

المللی بجاگه کشیده شوند!

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

همین یک قلم جنایت کافی است که وجود این حکومت مایه شرمساری بشریت باشد. از جنایات دیگرش فعلا چیزی نمیگوئیم. چنین حکومتی نباید بسادگی در سطح بین المللی پذیرفته شود. دولتهایی که با این حکومت مماشات و مراوده و دوستی دارند باید زیر فشار مردم کشور خود قرار بگیرند و بدانند که دوستی با آپارتاید اسلامی و قاتل مردم هزینه دارد. این گفتمان را میشود جهانی کرد و بدرجه ای انجام شده است و این کارها را میشود کرد و تلاش ما اینست. محکومیت دو تن از تروریستهای جمهوری اسلامی در طی دو روز متوالی یک اتفاق میمون و مهم است که باید کاری کنیم که گسترش یابد. و هر جا این مزدوران و ایادی حکومت جنب و جوشی از خود نشان میدهند و میخواهند ترور و تروریسم را دامن بزنند، نهادهای قانونی و حقوقی کشورها علیه شان وارد عمل شوند و با قاطعیت مقابل آنها بایستند. در یک کلام جمهوری اسلامی باید در سطح دنیا بایکوت شود. نابود باد حکومت اسلامی.

دیو خبیث اسلامی در ایران تغییر دهیم. سعی میکنیم کاری کنیم که فضای ترس از تروریسم جمهوری اسلامی تضعیف شود و مردم دولتهایشان را برای اقدام علیه حکومت اسلامی زیر فشار قرار دهند. تلاش میکنیم به مردم نشان دهیم که ترس و عقب نشینی در برابر جمهوری اسلامی باعث تخفیف تروریسم این حکومت نمیشود برعکس آنرا تشدید میکند. برای مقابله با توحش و تروریسم این حکومت باید محکم توی دهن این حکومت زد. راه دیگری وجود ندارد.

هرچه دنیای امروز دنیای تبعیضات و استثمار و ستمگری باشد که هست، اما وجود دولت و حکومتی مثل جمهوری اسلامی که در روز روشن به اعتراف تلویحی دست اندرکارانش یک هواپیمای مسافربری را سرنگون میکند و ۱۷۶ انسان بیگناه را به قتل میرساند، پذیرفتنی نیست. واقعا همین یک قلم جنایت کافی است که دنیا اعلام کند که چنین حکومتی نباید در مجامع بین المللی جایی داشته باشد.

و ضد تمدن تراست. خیلی از دولتها و نهادهای بین المللی از این حکومت عصبانی هستند اما نمیخواهند با آن درگیر شوند. از عواقبش میترسند. از تروریسمش واهمه دارند، نمیخواهند برای خودشان درد سر درست کنند و در نتیجه از کنار همه گردن کشیهای این موجود خبیث میگذرند و بر همه جنایتهايش چشم می بندند. خیلی از دولتها هم برایشان مهم نیست که جمهوری اسلامی چه سیاستهای ضد انسانی و ضد کارگری و ضد حقوق انسانی و غیره ای را در پیش میگیرد. دیپلماسی و اقتصاد و مصالح سرمایه داران برایشان در اولویت است.

ما توهمی نسبت به دولتها و نهادهای بورژوایی نداریم. میدانیم و تردیدی نداریم و بارها گفته ایم که همه این دولتها، دولتهای طبقه سرمایه دار هستند. خیلی از آنها را باید دولتهای ارتجاعی و راست نامید. اما ما به مردم دنیا اعتماد داریم. سعی میکنیم گفتمانهای بین المللی را به زبان این

محکوم شد و دادگاه تاکید کرد که این شخص نباید با هیچ گروگان و زندانی ای معاوضه شود. این هم به نحوی جزو حکمش بود. یعنی دولت اجازه ندارد او را معاوضه کند. این دادگاهها و این نوع احکام علیه تروریستهای حکومت کثیف اسلامی اگر بی سابقه نباشد کم سابقه است.

جمهوری اسلامی یک حکومت ترور و تروریست پرور است که با گروگان گیری شهروندان بیگناه زورگویی و قلدری میکند، با تروریسم علیه مخالفین میخواهد فضای رعب ایجاد کند، مدام حقوق بدیهی و ابتدایی انسانی را زیر پا میگذارد، و پرونده قطوری از سیاستها و اقداماتی دارد که در دنیا بی سابقه و باور نکردنی است. سالها نیش یعنی همان زمانهایی که این حکومت در ایران سرکار آمد حکومت آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی در دنیا بایکوت شد و در ادامه از هم پاشید. کارنامه جمهوری اسلامی از آپارتاید آفریقای جنوبی خیلی جنایتکارانه تر و ضد بشری تر

یک نفر این روزها زیر پست مربوط به حزب کمونیست کارگری نوشته بود این آیه بایکوت رژیم اسلامی از کی نازل شده است دیگر؟! جوابش اینست که این آیه نیست دوست عزیز. این یک حقیقت درخشان در فضای سیاسی امروز دنیاست که ما از سالها پیش روی آن کوبیده ایم، و بعد از شلیک عمدی موشک به هواپیمای مسافربری و اعدام نوید افکاری یک کشتی گیر معترض و نمونه هایی مشابه اینها که از حد تصور و باور انسانی فراتر میروند، میخواهیم روی دولتها فشار بیاوریم که این دیو کثیف ضد بشری را ایزوله کنند. آنچه امروز داریم می بینیم به نحوی میشود گفت طلایه های همین سیاست است. در همین اول مه جهت اطلاع این دوستان چندین اتحادیه کارگری بر اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و بایکوت جهانی آن تاکید کردند. آن اتحادیه ها هم این "آیه" را که شما معلوم است که ازش خوشتان نمی آید از حزب کمونیست کارگری یاد گرفته بودند.

باری قصدم از این مقدمه این بود که اشاره کنم که همین امروز ۶ ماه مه در دانمارک یک تروریست جمهوری اسلامی بنام محمد داود زاده لولویی به هفت سال زندان محکوم شد. هفت سال زندان یک حکم بسیار سنگین در سیستم دادگستری دانمارک است که شاید سالهاست که به کسی داده نشده است. دیروز هم در بلژیک اسدالله اسدی دیپلمات جمهوری اسلامی به ۲۰ سال زندان

بیاد فرزاد کمانگر و یارانش



عبدل گلپریان

روز یکشنبه ۱۹ اردیبهشت مصادف با یازدهمین سالگرد اعدام پنج زندانی سیاسی، فرزاد کمانگر و یارانش است که در روز ۱۹ اردیبهشت سال ۱۳۸۹ توسط حکومت جهل و جنایت اسلامی اعدام شدند. فرزاد کمانگر، شیرین علم هولی، مهدی حسینیان، فرهاد وکیلی و علی حیدریان کسانی بودند که در این روز اعدام شدند. اعدام این عزیزان توسط جلالان حکومت اسلامی، موجی از خشم و انزجار عمیق در میان مردم شهر و روستاهای کردستان و مردم شرافتمند داخل و خارج کشور علیه حاکمان اسلامی را بدنبال داشت. متعاقب این آدم کشی تکان دهنده و در اعتراض به این جنایت، مردم شهرهای کردستان به فراخوان احزاب و سازمانهای سیاسی در روز پنجشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۹ دست به یک اعتصاب عمومی گسترده زدند. کارگران، دانشجویان، معلمان، دانش آموزان و مغازه داران و کارمندان در کردستان در اعتراض به جنایت وحشیانه رژیم و در بزرگداشت یاد این عزیزان متحد و یکپارچه، مراکز کار و تحصیل، کارخانه ها، کارگاهها، مدارس و دانشگاهها، ادارات و مغازه ها را تعطیل کردند. این اعتصاب عمومی جواب محکمی به آدمکشان اسلامی حاکم بر ایران بود. اعتصاب عمومی مردم شهرهای کردستان، کاربدستان و نیروهای رژیم را کاملاً به هراس انداخت و جرات عکس العملی نیافتند و از ترس اینکه بیش از پیش کنترل اوضاع از دستشان خارج شود نگران و وحشت زده تنها نظاره گر اوضاع شدند. سندیچ، مهلباد، کامیاران، پاره، نوسود،

رغم شرایط دهشتناک ناشی از ویروس کرونا، در اعتراضات و تجمعات هر روزه در مراکز کارگری، در مقابل نهادهای حکومتی و در همه جا همچنان مصمم به پیش می رود و تا سرنگونی حکومت اسلامی فروکش نخواهد کرد.

در یازدهمین سال این جنایت توسط جلالان حکومت اسلامی، ضمن گرامیداشت یاد این عزیزان جنبش علیه اعدام را باید بیشتر از این تقویت و ماشین کشتار حکومت اسلامی را متوقف کرد. یاد فرزاد کمانگر شیرین علم هولی مهدی حسینیان فرهاد وکیلی و علی حیدریان گرامی باد.

راداغدار کنند. اکنون و بعد از سپری شدن یازده سال از جنایت آدمکشان اسلامی، جنبش علیه اعدام به حرکتی بالنده علیه کل بساط اسلامی و قوانین ضد انسانی آن تبدیل شده است. مردم در مقابل این توحش نه تنها علیه مجازات و احکام اعدام و برای پایان دادن به قوانین قرون وسطایی قصاص ایستاده اند بلکه به مبارزه ای برای سرنگونی کل ساختار حکومت اسلامی به میدان آمده اند. دی ماه ۹۶، آبان و دی ماه ۹۸ نقطه عطف هایی در جهت تحقق این امر و برای رهایی کل جامعه از نکتب اسلامی بود. این روند با قدرت هرچه بیشتری و علی

حرکت تاریخی و این اعتصاب پیروزمند حمایت کردند. مردم کردستان با این اعتصاب پیروزمند برگ زرین دیگری از اعتراض عمومی خود علیه حکومت قتل و جنایت اسلامی را بر تاریخ مبارزاتی درخشان خود افزودند.

در اوایل اردیبهشت ۹۳ که چهار سال از اعدام فرزاد کمانگر و دوستانش گذشته بود، محسن ازه ای سخنگوی قوه قضائیه حکومت آدمکش اسلامی در یک نشست خبری اعلام کرده بود که، "تنها در یکسال گذشته (۹۲) ۳۵۸ مورد انصراف از قصاص از سوی خانواده های مقتولین روی داده است." همین آمار بخوبی نشان داد که نه تنها مردم بلکه حتی خانواده هایی که عزیزان خود را در یک نزاع ناخواسته بر بستر شرایطی که حاکمان اسلامی برای جوانان فراهم کرده اند و عضوی از خانواده را از دست داده اند، با گذشت از اجرای قانون ضد انسانی قصاص و حتی پذیرفتن دیه، در مقابل این قانون و قتل عمد دولتی می ایستند و آنرا پس میزنند. این یک نه بزرگ به اعدام در ایران است. اینها نمونه های درخشانی از عمیق ترین احساسات و عواطف انسانی خانواده هایی است که عزیزی را از دست داده اند اما حاضر نیستند خانواده دیگری

بوکان، دیواندره، دهگلان، سقز، بانه، سردشت، پیرانشهر، نقده، ربط و اشنویه و دیگر شهرهای کردستان به اعتصاب عمومی پیوستند.

خشم و تنفر مردم علیه حاکمان اسلامی تنها به شهرهای کردستان خلاصه نشد. در افغانستان و همچنین در کشورهای اروپایی و دیگر کشورها علیه جنایت حکومت اسلامی و در حمایت از اعتصاب عمومی مردم شهرهای کردستان، آکسیونها و تظاهراتهای وسیعی در مقابل دفاتر ترور و جاسوسی رژیم اسلامی و در میداين و خیابانهای این شهرها برگزار شد و این عمل وحشیانه حاکمان اسلامی را بشدت محکوم کردند.

فراخوان احزاب و سازمانهای سیاسی و پاسخ متحدانه و یکدست مردم شهرهای کردستان به شرکت در اعتصاب عمومی روز ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۹ علیه توحش اسلامی، جواب محکم و دندان شکنی به قاتلان اسلامی حاکم بر ایران بود. ۲۳ اردیبهشت هر سال یادآور همبستگی و اتحاد مردم آزادیخواه شهرهای کردستان و انسانهای شرافتمندی است که در همه جا علیه اعدام این عزیزان به پا خاستند و از این

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

اصلاح طلبان و "کابوس" یک انقلاب!

متن تنظیم شده مصاحبه محسن ابراهیمی با تلویزیون کانال جدید



نگار نادری: محمد رضا تاجیک بعنوان یک اصلاح طلب حکومت اسلامی می گوید "فقط انقلاب میتواند یک انقلاب را نجات دهد" منظورش چیست؟

محسن ابراهیمی: شاید یک اشاره کوتاه به اینکه محمدرضا تاجیک کیست به پاسخ دقیق دادن به این سؤال کمک کند. ایشان در دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، مشاور رئیس جمهور و رئیس مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری بود. در جریان مبارزات "انتخاباتی" میرحسین موسوی هم به عنوان مشاور ارشد او فعالیت می کرد. همان موسوی که میخواست ایران را به "دوران طلایی امام" برگرداند! به این ترتیب محمد رضا تاجیک یکی از ارکان راه انداختن و تداوم حیات حکومت اسلامی بوده است. از حزب الهی های دوره تثبیت نظام اسلامی است. در رزومه سیاسی اش خون و کثافت اسلامی موج میزند.

"فقط یک انقلاب میتواند یک انقلاب را نجات دهد!" یعنی چه؟ هدیان میگوید؟ میتوان گفت درجه ای هدیان گویی سیاسی در این عبارت به یک معنا بی سر و ته هست. اما اگر ما بخواهیم سر و ته اش را به هم بیآوریم باید بگوییم که منظورش از انقلاب دوم در این جمله همان ضد انقلاب اسلامی است. پروژه سرکار کشیدن حکومت اسلامی است. حکومتی به سرکردگی

خیمینی که با کمک آمریکا و دول اروپایی علم کردند تا به نام انقلاب، انقلاب ۵۷ را شکست دهند. به این ترتیب منظور تئورسین اصلاحات از انقلاب دوم حکومت اسلامی است. همان پدیده ای است که با شکست انقلاب ۵۷ به قدرت رسید و الان با شبخ یک انقلاب زیر و رو کننده مواجه است.

با این حساب میتوان نتیجه گرفت که منظور ایشان از این هدیان گویی این است که دار و دسته جناح اصلاح طلب حکومت، شبخ انقلاب را بالای سرشان مشاهده کرده اند و لازم است برای جلوگیری از آن چاره ای بیاندیشند. اصلاحات مرده است. باید "انقلابی" عمل کنند و الا کلاشان پس معرکه است. تاجیک قبلا هم اعتراف کرده بود که "اصلاح طلبی مرد، جریان اصلاحات در برزخ است." حالا دارد از "برزخ اصلاحات" حکومتی، ترس و نگرانی دار دسته شان از طوفان انقلابی که در راه است را نشان میدهد.

مصطفی تاجزاده، همپالگی ایشان هم اخیرا در کلاب هاوس برای پیدا کردن راهی برای داغ کردن تنور یخ "انتخاب" فکر کرد لازم است خیلی "زادیکال" ظاهر شود و گفت اگر رئیس جمهور شود اصلا میخواهد قدرت خود خامنه ای را کم کند! دولت پنهان را سرچایش بنشانند! مردم حتما به ریش این گنده گویی های شیادانه میخندند. طرف با اینکه از خودشان است و همیشه ازادتش به "رهبر معظم" را

یادآوری کرده است، حتی صرف حضورش در معرکه خودشان منوط به این است که از قیف استصوابی زیر نظر خامنه ای رد شود با چه رویی واقعا قول هرس کردن قدرت پدرخوانده خودشان و دولت پنهان را میدهد؟ البته هنوز از ادعاهای مضحکش چند روز نگذشته است که ایشان گفته است میخواهد "با اجازه رهبر" رهبری را انتخابی کند! همین یک جمله نشان میدهد که با چه موجودات توخالی اما سرشار از بیشرمی مواجه هستیم. موجوداتی که ابلهانه میخواهند با کبریت رطوبت گرفته تنور یخ زده "انتخابات" را داغ کنند!

نگار نادری: اگر اصلاح طلبان شبخ انقلاب را بالای سر جمهوری اسلامی و خودشان به عنوان بخشی از این حکومت دیده اند، آیا میتوانند نقشی برای جلوگیری از آن بازی کنند؟ اگر نه چرا؟

محسن ابراهیمی: در صورتی میتوانند جلوی انقلاب را بگیرند که مردم آمیدی به آنها داشته باشند که مثلا میتوانند گشایشی هر چند کوچک اقتصادی و سیاسی در وضع مردم ایجاد کنند. کارنامه شان به مردم نشان داده است که تمام تلاش اینها گشایش اقتصادی برای میلیاردها و کلا طبقه میلیاردر حاکم است. هم دوره خاتمی و هم دوره روحانی بوضوح نشان داد که دستور کار این جناح این است که حکومت اسلامی را از معرض تعرض مردم در ببرند. کوچکترین تصمیمی برای بهبود وضع مردم ندارند و نمیتوانند داشته باشند. نمی توانند چون میدانند مردم به معنای واقعی کلمه برای خیز بعدی در کمین نشسته اند. سران حکومت اسلامی بیشتر از اینکه در فکر راضی کردن مردم باشد،

کرده است، چه مشخصه هایی دارد؟ فرقی با انقلاب ۵۷ چیست؟ چه چیزهایی فرقی کرده است؟

محسن ابراهیمی:

۱ - انقلاب این بار شدت ضد مذهبی و ضد اسلامی خواهد بود. حتی خود حکومتیها به زبان بی زبانی این را میگویند. این وجه انقلاب ایران بسیار شبیه انقلاب کبیر فرانسه خواهد بود. دنبال کوتاه کردن دست و پای مذهب از قلمرو زندگی شخصی و آموزشی و حقوقی مردم خواهد بود. مذهب را به کنج مساجد خواهد راند.

۲ - نقش زنان برجسته خواهد بود. حکومت اسلامی با قوانین شریعتش آنچنان تعرض بیسابقه ای به حقوق زنان کرده است که زنان نیروی بزرگ انقلاب خواهند بود.

۳ - جوانان، هم به خاطر ترکیب بالای جمعیت جوان و هم به خاطر شرایطی که حکومت بر زندگی این نسل حاکم کرده است و هم به خاطر رابطه بسیار گسترده و تنگاتنگ با جهان نقش بسیار برجسته خواهند داشت.

۴ - و بالاخره کارگران و مشخصا فعالین و رهبران کارگری با گرایش سوسیالیستی و چپ به سرعت دارند در اعتراضات اجتماعی ریشه میدوانند. از خواسته های صنفی و اقتصادی که در خود بسیار حیاتی است فراتر میروند و در نقش صدا و نماینده مبارزه علیه درد و رنج و ستم و تبعیض همه اقشار جامعه ظاهر میشوند.

ممکن است گفته شود که خوب در اغلب انقلابهای دوران معاصر، کارگران و

در کنار عجله شان در چپاول ثروت جامعه، دنبال راضی نگه داشتن نیروهای تروریست منطقه ای و حفظ و تداوم قدرت منطقه ای حکومت اسلامی هستند. تصور میکنند در دوره حاضر تنها راه ممکن بقای سیاسی شان همین است.

مردم این حقیقت را در زندگی هر روزه شان بوضوح دیده اند که چگونه اصلاح طلبان تلاش کرده اند مردم را با معرکه انتخاب میان بد و بدتر مشغول کنند و در واقعیت امر خودشان را پیش برده اند. مردم دیده اند که چگونه در دوره خاتمی، این آخوند شیاد با "گفتگوی تمدنها" به

سازمان ملل رفت تا به چشم مردم جهان خاک بپاشد و نگذارد ببینند در ایران چه خبر است. مردم دیده اند که حسن روحانی، یکی از امنیتی ترین آخوندهای دربار اسلامی با "کلید" گشایش حقوق شهروندی رئیس جمهور شد و دیده اند که آن کلید کذایی فقط برای در آوردن حکومتشان از بن بست سیاسی و اقتصادی چرخید و البته در آن هم شکست خورد!

در خیزش ۹۶ مردم در خیابان و با پاهایشان "پایان ماجرای" اصلاح طلبان را اعلام کردند. امروز مضمون همان شعار شکل تازه ای گرفته است و در خیابان و در مقابل مجلس و در اعتراضات فریاد زده میشود: "خیلی دروغ شنیدیم ما دیگه رای نمیدیم!" با این حساب باید حتی احمقترین شخصیت های جناح اصلاح طلب هم فهمیده باشند که دستشان برای مردم رو شده است و به همان اندازه سران جناح مقابل منفور هستند.

نگار نادری: انقلابی که در راه است و همه جناحهای این حکومت و همچنین اپوزیسیون راست را نگران

ادامه از صفحه ۸

زنان و جوانان حضور و نقش مهم و برجسته ای دارند. در این حقیقتی هست اما قابل مقایسه با ایران نیست. برای مثال در انقلاب مصر هم زنان حضور گسترده ای داشتند به این دلیل ساده که در مصر هم مردسالاری در خود جامعه و آزار زنان بیداد میکند و طبعاً زن نمیتوانست معترض نباشد. اما در ایران مردسالاری و تحقیر و آزار سیستماتیک زنان در قوانین رسمی کشور وجود دارد و حکومت قانونگذار و مجری تعرض سازمانیافته به حقوق زنان است. در ایران یک آپارتاید جنسی تمام عیار حاکم است. به این اعتبار غلظت زنانه بودن انقلاب ایران با هیچ کشور و با هیچ انقلابی در دنیای معاصر قابل مقایسه نیست.

در مورد ضد مذهبی و مشخصاً ضد اسلامی بودن انقلاب در ایران و تفاوت عمیقش با انقلابات دیگر دوران معاصر که قضیه از این هم روشنتر است. باز هم برای مثال، در مصر نیرویی متشکل مثل اخوان المسلمین هم حتی نتوانست مهرمذهبی بر انقلاب مردم مصر بزند و شعار مذهبی در خیزش مردم غایب بود و این خود حاکی از سکولار بودن آن خیزش بود. اما در ایران مساله بر سر این است که تعرض به مذهب و نهادهای مذهبی و قطع کردن کامل دست مذهب از زندگی مردم یک وجه بسیار برجسته انقلاب خواهد بود. حتماً کلیپ آن آخونده را دیده اید که نقل میکند وقتی مردم خشمگین در خیزش علیه گرانی بنزین را دید، عبا و عمامه اش را زیر صندلی ماشینش قایم کرد، آهنگ ابراهیم دادلی سس ترکیه را فوراً داونلود کرد و با صدای بلند در ماشین پخش کرد و سعی کرد با تکان دادن سر و گردنش همراه با آهنگ راهی پیدا کند که مردم خشمگین به او حمله نکنند. این اتفاق

ظاهراً ساده توصیف زنده ای از فضای ضد مذهبی انقلاب آتی است. حمله مردم خشمگین به دفاتر امام جمعه ها و نمایندگیهای خامنه ای در قیام آن هم که دیگر جای خود دارد.

نگار نادری: در این شرایط، موقعیت چپ در جامعه و موقعیت نیروهای سوسیالیست و حزب کمونیست کارگری را چطور ارزیابی می کنید؟

محسن ابراهیمی: مقایسه هر چند کوتاه شرایط امروز با مقطع انقلاب ۵۷ به روشن شدن این موضوع کمک میکند. در انقلاب ۵۷ کارگران نقش مهمی داشتند. شوراها کارگران و محلهای کار یک پدیده گسترده و قدرتمندی شده بودند. در کردستان نیروهای چپ و مشخصاً کومله به یک نیروی محبوب در میان مردم تبدیل شده بود و مقاومت و مبارزه علیه حکومت را سازمان میداد. در کل جامعه گروههای چپ متنوع و متعددی فعالیت میکردند و به سرعت محبوب میشدند. زنان همان هفته های اول بعد از سرنگونی نظام سلطنتی مقاومت و مبارزه قدرتمندی را شروع کردند. فداییها حتی توانستند تجمعات دهها هزار نفره سازمان دهند. اما یک چیز غایب بود. چپ و مشخصاً نیروهای سوسیالیست و کمونیست در قامت یک حزب سیاسی مدعی قدرت، حزب سیاسی با برنامه روشن متشکل نشده بودند. جامعه از یک حزب سیاسی کمونیست و سوسیالیست با برنامه ای روشن و شفاف و استخوانبندی کادری محکم و سنتهای تشکیلاتی و سیاسی حزبی جا افتاده و در نهایت آماده برای نمایندگی جامعه انقلاب کرده در قدرت سیاسی محروم بود. هیچکدام از جریانات سیاسی چپ به خودشان به عنوان یک حزب سیاسی که میخواهد خواسته های طبقه کارگر و میلیونها مردم انقلاب کرده را در قدرت

سیاسی نمایندگی کند نگاه نمیکردند.

امروز اما اوضاع با مقطع انقلاب ۵۷ تفاوتهای جدی دارد. خواست زندگی برابر و آزاد و مرفه و بدون تبعیض برای همه شهروندان، یعنی تصویری از زندگی که با چپ و گرایش سوسیالیستی تداعی میشود، در جامعه بسیار عمیق و گسترده است. این نوع نگاه به زندگی فقط محدود به این یا آن سازمان محدود چپ نیست. ابعاد اجتماعی به خودش گرفته است. به یک شاخص مشهود در میان کارگران و زنان و جوانان و مردم ستم دیده و محروم تبدیل شده است. برابری طلبی، عدالت طلبی، زندگی بهتر برای همه، مسئولیت جامعه در قبال همه شهروندان، مسئولیت در قبال حقوق کودکان و حتی احترام به حقوق حیوانات در جامعه ابعاد اجتماعی پیدا کرده است. جامعه به چپ چرخیده است. چپ اجتماعی یک پدیده غیر قابل انکار شده است. صحبت فقط بر سر افکار خوب و انسانی نیست. در میان مردم برای تحقق این تصور انسانی از زندگی تشکلهای ساخته شده اند. کمپینها و فعالیتهای و جنبشهای متنوعی راه افتاده است. چپ اجتماعی در اشکال مختلف متشکل شده است و برای تحقق اهدافش مقاومت و مبارزه سازمان میدهد. ایران جامعه ای است که در آن علیرغم توحش اسلامی، گسترده ترین جنبش ضد مذهبی در جریان است. جنبش برای برابری و رهایی زنان الهام بخش در منطقه است. جنبش کارگری تعداد قابل توجهی از رهبران با گرایش چپ و سوسیالیستی بیرون داده است که در جامعه محبوب و مورد توجه هستند و جنبش کارگری دیگر خود را فقط به خواسته های اقتصادی محدود نمیکند. با خواست بهداشت و درمان و آموزش مجانی برای همه، آزادی بیان، آزادی زندانیان سیاسی،

اداره شورایی، پایان دادن به حقوقهای نجومی و فلاکت عمومی آنها نه فقط در بیابانها و قلعطنامه ها بلکه در کف خیابان و در تجمعات اعتراضی ظاهر میشود. ایران کشوری است که در آن از یکطرف، حکومتش کودکان زیادی را به کودکان کار، کودکان زباله گرد تبدیل کرده است و از طرف دیگر مردمش برای کودکان فستیوال برفی راه میاندازند.

آری، چپ اجتماعی در جامعه قوی و گسترده است. آنچنان گسترده که حتی اپوزیسیون راست و امثال رضا پهلوی هم ناگزیر شد به آن اعتراف کند که بله در بیست سال اول بعد از حکومت اسلامی چیها و سوسیالیستها و عدالت طلبان انتخاب مردم خواهند بود. اوضاع طوری است که کسی مثل شیرین عبادی هم که جایزه صلح نوبل را از سینه اش آویزان کرده بود و در جهان می چرخید تا مردم را قانع کند که شریعت اسلامی با حقوق زن منافات ندارد، سالها باند اصلاح طلبان حکومتی را آلترناتیو خودش میدانست، امروز مجبور شده است بگوید "آلترناتیو کارگران هفته تپه هستند!"

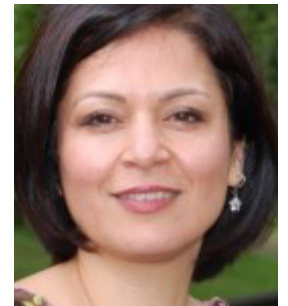
از نقطه نظر گرایش سوسیالیستی متشکل هم اوضاع امروز با مقطع انقلاب ۵۷ تفاوتهای بنیادی دارد. همچنانکه گفتم در مقطع ۵۷ اگر چه سازمانها و گروههای متنوع سوسیالیستی زیاد بودند اما جدا از اینکه نوعی از ناسیونالیسم، نه گرایش کمونیستی و کارگری بر تفکر اغلب جریانات چپ حاکم بود (این موضوع بحث این مطب نیست)، این چپ از ایفای نقش گروه فشار سیاسی فراتر نرفت. هرگز به تصویر یک حزب سیاسی با برنامه و با هدف نمایندگی مردم در قدرت سیاسی نزدیک نشد.

امروز وضع فرق میکند. چپ اجتماعی که در بالا

در باره اش صحبت کردم جلوه و تجسم متشکل حزبی هم پیدا کرده است. حزب کمونیست کارگری در این میان شاخص است. نه تنها به آرزوها و آرمانها و تصورات چپ، به گرایش رادیکال و برابری طلب جامعه در برنامه ای شفاف و روش و در قالب یک حزب سیاسی تعین داده است بلکه خودش در اعتراضات و کمپینها و مبارزات جاری برای زندگی بهتر از اعتراضات کارگری تا جنبش علیه اعدام و آزادی زندانیان سیاسی، آزادی بیان و حقوق کودکان و رهایی زنان و غیره فعالانه دخیل بوده است و در گسترش دادن و عمیقتر کردن و متعین تر کردن این اعتراضات نقش فعال ایفا کرده است طوری که مقامات بلندپایه امنیتی حکومت اسلامی هم ناگزیر شده اند از آن به عنوان "حزب اعتراضات اجتماعی" نام ببرند!

کوچکترین تغییر توازن و عقب راندن حکومت اسلامی شرایطی را فراهم خواهد کرد که چپ علی العموم، گرایش سوسیالیستی در میان جنبش کارگری، نیروهای پیشرو و رادیکال و چپ در جنبش زنان و جوانان و تشکلهای با گرایش سوسیالیستی با ابعاد خیره کننده بزرگ و قدرتمند شوند. در چنین شرایطی، حزب کمونیست کارگری به عنوان شاخصترین و فعالترین تشکل گرایش سوسیالیستی، فعالترین تشکل گرایش و جنبش کمونیسم کارگری در ایران و منطقه با سرعت خیره کننده ای رشد خواهد کرد و در روند تحولات سیاسی، در جهت گیری این تحولات، در شکل دادن به آلترناتیو چپ و کمونیستی، در نمایندگی چپ اجتماعی در قدرت سیاسی و بالاخره در پیروزی سیاسی و اجتماعی انقلابی که حتی حکومتیها هم رویتش کرده اند، نقش موثر و تعیین کننده ایفا خواهد کرد.

نامه اعتراضی شیوا محبوبی سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به دولت انگلستان در ارتباط با حکم یکسال زندان نازنین زاغری



شیوا محبوبی

به دنبال صدور حکم اخیر زندان برای زندانی دو تابعیتی نازنین زاغری توسط جمهوری اسلامی، روز ۲۹ آوریل، شیوا محبوبی نامه ای اعتراضی به نخست وزیر انگلستان بوریس جانسون و وزیر امور خارجه دومنیک راب ارسال داشت. این نامه همچنین برای اعضای پارلمان انگلستان که در رابطه با وضعیت ایران کار میکنند ارسال شد. در این نامه محبوبی به وضعیت نازنین زاغری، جلوگیری از آزادیش پس از اتمام پنج سال محکومیت، حکم جدید صادره و فشاری که بر او و خانواده اش و بالخصوص دختر خردسالش وارد شده اشاره کرد. در این نامه به سیاست گروگانگیری رژیم و استفاده از زندانیان دوتابعیتی در مذاکرات با دولت های اروپایی از جمله انگلستان توضیح داده شد و اینکه دولت انگلیس هیچ اقدام موثر و جدی ای در رابطه با آزادی نازنین نکرده

و در واقع حکم صادره اخیر یک مصداق دیگر از عدم فشار دولت انگلیس به رژیم میباشد.

در این نامه اشاره شده است که دولت انگلیس مرتبا گفته است نهایت تلاش را برای آزادی نازنین انجام میدهند اما نمیگویند چه اقداماتی صورت داده شده است؟ آیا دولت انگلیس آزادی نازنین را به عنوان پیش

شرط مذاکره ها با رژیم از جمله مذاکره در وین قرار داده است؟ این رژیمیست که ۴۲ سال است جنایت میکند و به تذکرات ملایم دولت انگلیس گوش نخواهد داد.

در این نامه همچنین به فشار به خانواده های این زندانیان دوتابعیتی اشاره شد و خواهان اقدامات سریع دولت انگلیس

و قرار دادن خواست آزادی نازنین زاغری و سایر دو تابعیتی های ایرانی انگلیسی زندانی به عنوان پیش شرط مذاکرات با رژیم شد.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از شما مردم آزادیخواه در کشورهای اروپایی دعوت میکند تا با فشار به دولت های مربوطه خواستار اقدام فکری و

موثر این دولتها جهت فشار به رژیم اسلامی و آزادی زندانیان دوتابعیتی شوید.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۰ /
دوم ماه می ۲۰۲۱

روزه داری کودکان - آزادی مذهب یا کودک آزاری؟



کریم شامحمادی

دادن کودک برای پذیرش
اعتقادات والدین نیست!

کودکان وابسته به خانواده هستند. ناچار به اطاعت می‌شوند. چنین اقدامات ظالمانه‌ای کودک را بشدت آسیب پذیر می‌کند. هر نوع تشویق و ترغیب و اجبار به روزه گرفتن، آشکارا کودک آزاری سازمان یافته و نقشه مند است. این به اصطلاح آزادی مذهب برای کودکان است که (ولی غانم) از آن دفاع می‌کند. بهره‌برداری از یک حکم فردی است که حق کودک و سلامتی او را فدای مصالح ایدئولوژیک می‌کند.

کودکان مذهب ندارند، بلکه مذهب خانواده است که به فرزندان نشان تلقین و تحمیل می‌شود. اگر قرار است در مورد آزادی مذهب برای کودکان صحبت کنیم، پس کودکان آزاد هستند در عقاید مذهبی والدین مشارکت نداشته باشند. بنا بر این کودک حق دارد که هم مذهب را نپذیرد و هم ترک دین کند.

رجوع دادن کودکان به "اراده" برای انجام مناسک روزه داری در ماه رمضان در حالیکه کودک فاقد توانایی، دانش و درک دستورهای مذهبی و عواقب خودداری از خوردن و نوشیدن است، نباید چنین مسئولیتی را به عهده‌اش وا گذاشت.

نه، ولی غانم، اجازه دادن روزه داری به کودکان در ماه رمضان آزادی مذهبی و آزادی انتخاب برای کودکان نیست، بلکه کودک آزاری محض است و باید جهت دفاع از حق کودکان به اداره خدمات اجتماعی گزارش داده شود. در آخر خواستم یکی از تجارب تلخ خود را در دوران کودکی در یک جمله بیان کنم: آنهم وقتی بود که روزه گرفتم و ختنه شدم، هیچ وقت فراموش نمی‌کنم!

۵ ماه مه ۲۰۲۱



قبل از حادثه از محل معدن بازدید کرده بودند و وزارت صنعت وضعیت معدن یورت را ایمن ارزیابی کرده بود. با این وجود پس از چهار سال از این جنایت عملا کارفرما را تبرئه کردند و تلاش کردند با دادن وعده هایی از قبیل پرداخت دیه به بازماندگان قربانیان موضوع را مشمول مرور زمان بکنند. حکومت و کارفرما تا امروز هر از چند گاهی مبلغی را به عنوان علی الحساب به خانواده های جانبختگان معدن پرداخته و وعده داده اند که موضوع بیمه بیکاری و اشتغال و بیمه های درمانی شان را حل خواهند کرد. اما همین وعده های ناچیز را هم عملی نکرده اند.

از خانواده ها و بازماندگان قربانیان فاجعه معدن یورت باید به هر شکل ممکن حمایت کرد. جمهوری اسلامی و مقامات اداره کار استان را باید برای نقد کردن مطالبات کارگران و خانواده های جانبخته و معلول تحت فشار قرار داد. حمایت مردم منطقه از این خواست ها و همراهی و همبستگی شان با خانواده ها و کارگران معدن فاکتور مهمی در شنیده شدن صدای اعتراض کارگران و خانواده های جانبختگان معدن یورت است.

فاجعه یورت به اعتراف خود حکومتیان یک جنایت مرتبط با حکومت بود و کیفرخواستی محکم علیه کل حکومت اسلامی، قوانینش، قوای قضائیه و مقننه و مجریه اش، ولایت فقیهش و کل تار و پود این حکومت است.

خانواده های جانبختگان این معدن میگویند: مطالبات ما پابرجاست. وعده دادند و کاری نکردند. خبرگزاری حکومتی مهر نوشت: مقصران حادثه به سزای عمل خود نرسیده‌اند و هرچند مبالغی به عنوان دیه



محمد شکوهی

۱۳ اردیبهشت سالگرد فاجعه انفجار معدن یورت در استان گلستان بود. چهار سال از این فاجعه گذشته است. در جریان این فاجعه که در سال ۹۶ روی داد، ۴۴ کارگر معدن کشته و بیش از ۷۰ نفر مصدوم شدند. کارگران قبل از آن هشدار داده بودند اما کارفرما در پناه وزارت کار و ارگان های سرکوب حکومت، کارگران معترض را اخراج و یا تهدید به اخراج کرده بود و نیروی انتظامی با باتوم پاسخ کارگران را داده بود.

بعد از وقوع انفجار کارگران گفتند که دلیل افزایش مرگ کارگران بعد از انفجار، نبود کپسول اکسیژن، یکطرفه بودن معدن و عدم امکان فرار و فقدان دستگاه تهویه در معدن بوده است. این موضوع را بعدها حکومت هم رسماً تأیید کرد از جمله علی ربیعی وزیر کار حکومت اعتراف کرده بود که: "بازرسان کار نیم ساعت

جلوه ای از همبستگی جهانی با کارگران ایران در اول مه مراسمی به ابتکار کمپین برای آزادی کارگران زندانی (فری دم ناو)

روز ۳۰ آوریل، برابر ۱۰ اردیبهشت در آستانه اول مه مراسم ویژه ای از سوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی به صورت آن لاین در رسانه زوم برگزار شد. در این مراسم رهبران اتحادیه ها و تشکلهای کارگری و چپ از کشورهای مختلف پیام دادند و جمهوری اسلامی را به دلیل نقض حقوق پایه ای کارگران و مردم محکوم کردند و خواهان آزادی همه کارگران و معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی شدند. استفانی اسمیت از جانب ۸۰ هزار کارگران بخش خدمات بریتیش کلمبیا در کانادا در پیامی ویدئویی گفت ما از طریق فعالین محلی فری دم ناو از نقض هر روزه حقوق بشر توسط حکومت اسلامی مطلع هستیم و این حکومت به دلیل پایمال کردن حقوق ابتدایی کارگران و مردم و سرتگون کردن هواپیمای مسافربری باید در سطح جهان بایکوت شود و از سازمان جهانی کار اخراج گردد. علاوه کری مایکل از همین اتحادیه کارگری که در مراسم حضورا شرکت داشت سخنرانی کرد و همبستگی خود را با مبارزات کارگران و مردم ایران اعلام داشت. جوزف ظاهر از حزب سوسیالیست چپ سوئیس نیز فشار و تعدی به کارگران، معلمان، اقلیتهای مذهبی و فعالین محیط زیست را محکوم کرد و خواهان بایکوت جمهوری اسلامی شد. آلسکاندرا هناتو یکی از اعضای بنیانگذار فوترزامیگرانته (یک سازمان غیر انتفاعی برای سازماندهی و حمایت از کارگران مهاجر مزارع در بریتیش کلمبیا در پیام خود

از وضعیت اسفبار کارگران مهاجر سخن گفت و با کارگران در ایران اعلام همبستگی کرد.

در این مراسم که شمار قابل توجهی از فعالین از کشورهای مختلف در آن شرکت داشتند شهلا دانشفر سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی از مبارزات کارگران در ایران علیه سرمایه داران و کارفرمایان سخن گفت و چشم انداز مبارزات کارگران و بازنشستگان و معلمان و زنان در ایران را که گویای یک فضای چپ و رادیکال و کارگری در جامعه است را توضیح داد و بر بایکوت جهانی جمهوری اسلامی این رژیم سرکوب و جنایت در ایران تاکید کرد. کاظم نیکخواه مسئول روابط بین المللی کمپین برای آزادی کارگران زندانی از تمام اتحادیه ها و تشکلهای کارگری بخاطر شرکت در مراسم و پیام های همبستگی شان و همچنین حمایتهایشان از کارگران در ایران سپاسگزاری کرد و این همبستگی ها را برای پیشرویهای آتی طبقه کارگر در ایران و در سطح جهان امید بخش توصیف نمود. بهرام سروش سخنگوی کمپین بایکوت جهانی جمهوری اسلامی با اشاره به توحش و جنایات جمهوری اسلامی بر حقوق پایه ای کارگران تاکید کرد و خواهان دفاع از خواست بایکوت جهانی جمهوری اسلامی شد.

در این مراسم همچنین جان کلارک از رهبران ائتلاف علیه فقر در انتاریو، کانادا کریستوس کیتوفیدز دبیر کل اتحادیه

ژورنالیست های قبرس و فعال حقوق بشر و فعال صلح و اتحاد در دو بخش قبرس، اریک بونک، از سازمان مرکزی کارگران سوئد (ساک)، آندرو لجر از طرف کیویی(اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا)، آئینا کایتای دبیر کل حزب چپ انترناسیونالیست جدید قبرس (ندا) و تینان لیبرت عضو لوکال 2 اتحادیه خدمات عمومی کانادا و فعال در کمیته اول مه در این کشور سخنرانی کردند و در پیامهای ارسال خود اول مه را شادباش گفتند و بر حقوق پایه ای کارگران تاکید کردند و معلمان زندانی در ایران شدند.

پیامهای ارسال شده برای این مراسم اعتراضی به سرکوبگرهای حکومت اسلامی و در محکومیت آن و علیه زندان و شلاق و اعدامها بود. این پیامها تاکید بر انزوای جهانی جمهوری اسلامی، اخراج آن از سازمان جهانی کار و بایکوت بین المللی آن بود. این پیامها در واقع بازتاب پیشرویهای جنبش کارگری ایران در سطح بین المللی بود.

تهمینه صادقی و عباس ماندگار دو عضو این کمپین در کانادا اجرا کنندگان این برنامه بودند. همچنین بیانیه ((Free Them Now به مناسبت روز جهانی کارگر هم به زبان انگلیسی و هم فارسی توسط مسعود ارژنگ و تهمینه صادقی دو عضو این کمپین در کانادا قرائت شد.

از سوی دیگر از ایران نیز پیامهایی از فرنگیس مظلوم

مادر سهیل عربی زندانی سیاسی اتیست و راحله راحمی پور خواهر حسین راحمی پور از جانباختگان دهه ۶۰ دریافت شده بود که در برنامه به سمع شرکت کنندگان رسید.

بعلاوه در این برنامه پیام سه فعال کارگری شناخته شده پیمان شجیراتی، بهنام ابراهیم زاده و حسن محمدی که به این برنامه ارسال شده بود همراه با پیامهایی از پروین محمدی از چهره های شاخص جنبش کارگری، محبوبه فرحزادی معلم بازنشسته و پروین نخستین فعال دفاع از " حق هویت از مادر به فرزند " و پیام گوهر عشقی، مادر ستار بهشتی (ویلاگ نویسی که سال ۱۳۹۱ با شکنجه پلیس فتا در بازداشتگاه کشته شد) که از مدیای اجتماعی برگرفته شده بودند، پخش گردید. در کنار این برنامه ها . دو کلیپ ویژه به زبان فارسی و انگلیسی که از سوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و در معرفی کارگران زندانی و معلمان دربند ارائه شده بود، و کلیپ هایی از صحنه های شورانگیز اعتراضات کارگری در نیشکر هفت تپه، فولاد، ک نفت، بازنشستگان و بخش های دیگر کارگری همراه با موزیک پخش شد.

در بخش آخر برنامه بیانیه و قطعنامه ای که یکی با امضا ۱۵ تشکل و گروه و دیگری با امضای ۱۳ سازمان به مناسبت روز جهانی کارگر منتشر شده است، معرفی شدند و کلیپهای معرفی این قطعنامه ها که از سوی ارائه دهندگان آنها در

مدیای اجتماعی پخش گردیده بود، ارائه شد.

همچنین از سوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی که فری دم ناو را در تدارک این برنامه همراهی میکرد، کلیپی تصویری از اعتراضات کارگران اهدا شده بود که پخش گردید.

فضای پر شور این مراسم توجه همه شرکت کنندگان را به خود جلب کرده بود. این برنامه از رسانه های اجتماعی پخش گردید و در تلویزیون کانال جدید نیز تماما بازتاب یافت.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی از همه دست اندرکاران این مراسم و همه شرکت کنندگان و تشکلهایی که پیامهای همبستگی فرستادند صمیمانه تشکر میکند. این مراسم تصویری از جنبش کارگری و همبستگی جهانی با طبقه کارگر در ایران را بر متن اوضاع پر تلاطم سیاسی جامعه بازتاب داد. این مراسم نیز خود بخشی از فضای منحصر بفرد اول مه امسال بود که شاهد تحکرات گسترده کارگران و بازنشستگان و معلمان در این روز در ایران و در کشورهای جهان بودیم.

شهلا دانشفر، سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۳ مه ۲۰۲۱، سیزده اردیبهشت ۱۴۰۰

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

www.newchannel.tv

nctv.tamas@gmail.com

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

یاری کنید پوشش تلویزیون آزادی، برابری و رفاه را گسترش دهیم!

کمک های خود را میتوانید به شماره حساب های زیر واریز کنید و یا به واحدهای حزب در شهر خود بپردازید و با یادداشتی ما را از کمک خود مطلع نمایید:

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی سوئد:

Sweden
Kontonr: 4122379-3 SEK
Bankkontonr: 9960 2641 223 793
Kontoslag: PLUSGIROKONTO
FÖRETAG
IBAN: SE 10 9500 0099 6026 4122 3793

Swish number
1234302402

Germany
M. Eli
Commerzbank
Kontonr: 727634800
BLZ: 60040071
IBAN: DE84600400710727634800
BIC/SWIFT: COBADEFFXXX

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

United kingdom
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345477981
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره زیر تماس بگیرید:
واتس آپ - سیگنال و تلگرام

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

کانال جدید این تریبون تک تک شما آزادیخواهان، این صدای اعتراض و همبستگی کارگران، زنان و جوانان در ایران، تلویزیونی که ۱۷ سال است ۲۴ ساعته برای رهایی و آزادی و انسانیت و برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی برنامه پخش میکند، برای هر چه گسترده تر کردن پوشش خود علاوه بر ماهواره "پاه ست"، از ماهواره "یوتل ست" نیز شروع به پخش برنامه کرده است. رفتن بر ماهواره "یوتل ست" و بودن همزمان بر دو ماهواره امکان میدهد که

بخش های بسیار بیشتری از مردم ایران و منطقه و همچنین ایرانیان ساکن اروپا به کانال جدید دسترسی داشته باشند. انجام این مهم، همچون تامین هزینه های سنگین یک تلویزیون ۲۴ ساعته در تمام این ۱۷ سال، بدون کمک و یاری شما مردم شریف و آزادیخواه ممکن نبوده و نخواهد بود. لذا دست یاری بسوی شما دراز میکنیم.

بدینوسیله کمپین جمع آوری ۵۰ هزار دلار جهت تامین هزینه های انتقال کانال جدید به ماهواره دوم (یوتل ست) را اعلام میکنیم. هدف ما این است که این مبلغ را در عرض یک ماه جمع کنیم. از همه شما مردم آزادیخواه که خواهان رهایی از شر جمهوری اسلامی و هرنوع تبعیض و نابرابری هستید دعوت میکنیم تا کمک های مالی خود را به دست ما برسانید.

تلویزیون کانال جدید
۵ فروردین ۱۴۰۰ (۲۵)
مارس (۲۰۲۱)

کمک مالی به کانال جدید

لیست شماره ۶

همانطور که در لیست شماره ۵ اطلاع دادیم در پاسخ به فراخوان کانال جدید مبلغ ۵۸۱۷۰ دلار جمع آوری شد. در طول چند روز گذشته ۶۷۰ دلار دیگر به مبلغ فوق اضافه شد به این ترتیب مجموع کمک مالی جمع آوری شده در پاسخ به این فراخوان به ۵۸۹۴۰ دلار رسید.

ضمن قدردانی از همه عزیزانی که به این فراخوان پاسخ دادند، دوستانداران کانال جدید و همه انسان های آزاده و مخالف حکومت را به تداوم کمک مالی به کانال جدید فرامیخوانیم.

بهنام ۵۰۰ دلار
طه حسینی ۵۰ یورو
غلام اکبری ۱۰۰۰ کرون
پدرام رضازاده ۵۰ یورو
آهو فتحی ۲۰ یورو
مرضیه فتحی ۲۰ یورو
مهتاب روشنفر ۳۰ یورو
سیفی بهبودی ۶۰ دلار
آیت رزمی ۲۰ دلار

جمع کمک تاکنونی
۵۸۹۴۰

یک اول مه سراسری و پر جنب و جوش در ایران زنده باد روز جهانی کارگر

اول ماه مه امسال سراسری و با شکوه برگزار شد. به مناسبت گرامیداشت این روز در شهرها و مناطق متعددی کارگران تجمع کردند و در شهرهایی چون اهواز و شوش با راهپیمایی کارگران شعارهای اعتراضی آنان در سطح شهر طنین انداز شد. تجمعات و مراسم اول مه امسال توسط باننشستگان و بخشهای مختلف کارگران و معلمان برگزار شد و برگ دیگری از ابراز وجود طبقه کارگر را ثبت نمود. فراخوان اولیه آن در روزهای قبل از سوی باننشستگان داده شده بود و با استقبال وسیع بخش‌های مختلف کارگری روبرو گردید. در تهران تجمع مقابل وزارت کار صورت گرفت و در شهرستانها مقابل ادارات تامین اجتماعی کارگران و باننشستگان و بخشهای دیگری از مردم تجمع کردند. تاکنون گزارشاتی از تجمعات اول مه تهران، کرج، قزوین، ساری، اهواز، مشهد، شوش، رشت، کرمانشاه، تبریز، سنندج، خرم آباد، میروان، سنندج، شوش، اراک، منتشر شده و بدستمان رسیده است.

در تهران اول مه به صحنه کشاکش کارگران با نیروهای حکومت تبدیل شد. قبل از شروع تجمع محدوده خیابان آزادی مقابل وزارت کار بطور کامل با هجوم نیروهای امنیتی قرق شده بود. حضور جمعیت بزرگی از کارگران باننشستگان، معلمان و دیگر فعالین در حول و حوش وزارت کار، و نزدیک شدن آنها به محل اعلام شده، موجب ترس و وحشت و دستپاچگی نیروهای امنیتی شده بود. نیروی انتظامی تلاش کردند که تجمع کنندگان را متفرق کنند و حتی اجازه جمع شدن چند نفر در محل را نمیدادند. لباس شخصی‌ها برای جلوگیری از تجمع هر کسی را که به او مشکوک میشدند سریعاً دستگیر کرده و سوار بر ماشین‌های پلیس می‌کردند. بنا بر برخی گزارشات در این روز نزدیک به ۳۰ نفر در محدوده وزارت کار دستگیر شده‌اند. اما جمعیت با عزم برپایی تجمع در روی پل عابر پیاده و اطراف آن باقی مانده و با شعار دادن اول مه را گرامی داشتند.

همزمان با تجمع کارگران مقابل وزارت کار، خانه کارگری های حکومت در محل درب پشتی وزارت کار در خیابان بهبودی تحت محافظت نیروهای امنیتی حکومت مراسم اسلامی خود را داشتند و نگرانی شان از رفتن تجمع کنندگان مقابل وزارت کار به آنجا و برهم زدن بساط شان بود. درگردهمایی آنها جمعیتی محدود حدود ۵۰ نفر از خودیهایشان حضور داشتند و با نوحه خوانی و تلاوت قرآن و سرود جمهوری اسلامی از طریق بلندگوهای بزرگشان تلاش کردند فضای اول مه را مخدوش کنند. حسن صادقی از مزدوران شناخته شده خانه کارگری از سخنرانان این برنامه دولتی بود و او محور سخنانش در تعریف و تمجید از مسئولین حکومتی بخصوص سالاری رئیس سازمان تامین اجتماعی بود که مورد نفرت همه باننشستگان و کارگران است.

در شوش کارگران با راهپیمایی و شعار مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر این روز را گرامی داشتند و در اهواز کارگران با شعار خیلی دروغ شنیدیم، اما حقوق ندیدیم صدای اعتراض خود را بلند کردند.

در کرج گردهمایی اول مه مقابل تامین اجتماعی برپا شد و تجمع کنندگان با شعار "دولت غارتگران، دشمن کارگران" صدای اعتراض خود را به بساط چپاول و دزدی حاکم بلند کردند.

در کرمانشاه جمعیتی از کارگران مقابل تامین اجتماعی تجمع داشتند و یکی از سخنران با اعلام اینکه تجمع حق قانونی ماست، همچنان که ما نان میخوریم"، و تجمع کنندگان با فریاد شعارهای اعتراضی خود این روز را گرامی داشتند.

در تبریز تجمع کنندگان با شعار دادن و کف زدن صحنه باشکوهی را آفریدند و اول مه را برگزار کردند.

در کرمانشاه نیز مقابل تامین اجتماعی تجمع بود و سخنرانی ها اساساً در اعتراض به فقر و فلاکت حاکم بر جامعه و تبعیض ها و نابرابری ها بود.

در مشهد شعار "کارگر اتحاد، اتحاد" بر فضای خیابان مقابل تامین اجتماعی طنین انداخته بود.

در سنندج تعداد زیادی از کارگران و مردم در ساعت ۱۱ این روز در چهارراه عباس آباد این شهر تجمع کردند. لباس شخصی ها در محل بسیار بودند. در این روز همچنین جمعی از کارگران شهرک صنعتی شماره ۲ سنندج طی مراسمی روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. در روز دیگری در این شهر و شهرهای دیگری چون سقز، کامیاران، بانه و میروان مراسم برپا شد و کارگران به استقبال روز جهانی کارگر رفتند و سخنرانی کردند و قطعنامه خود را قرائت کردند. در بانه برگزار کنندگان مراسم جمعی از زنان بودند. در میروان مراسم روز کارگر توسط کارگران و سندیکای کارگران فصلی و ساختمانی شهرستان میروان و سروآباد برگزار شد. بنا بر گزارشها در مراسم سنندج شیث امانی از فعالین اتحادیه آزاد کارگران ایران و هوشنگ کریمی یکی دیگر از فعالین کارگری با زداشت شدند.

علاوه بر اجتماعات در کف خیابان در اول مه امسال ما شاهد گرامیداشت این روز در مراکز کارگری و بطور مشخص در نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز بودیم. کارگران این مراکز علاوه بر انتشار بیانیه‌هایی به مناسبت روز جهانی کارگر در درون کارخانه نیز اول مه را گرامی داشتند. در نیشکر هفت تپه این سنگرمهم جنبش کارگری در این روز بنر بزرگ گرامیداشت اول مه در محل مشهور سنگر برافراشته شد و ابراهیم عباسی از سخنرانان این مراسم بود. به تاریخ پیدایش اول ماه مه در سال ۱۸۸۶ میلادی اشاره کرد و گفت نتیجه مبارزات آنهاست که امروز ما نتیجه اش را میبینیم و شاید یک قرن دیگر به پاس مبارزه متحد هفت تپه روزی به نام نیشکر هفت تپه ثبت شود. او همچنین به بردوام بودن مطالبات کارگران نیشکر هفت تپه از جمله کوتاه شدن دست چپاولگران از این شرکت، بازگرداندن کارگران

اخراجی به کار، پایان دادن به امنیتی کردن و دیگر خواستههای کارگران تاکید کرد. در آخر او گفت: "آقای رئیسی میگوید که چتر عدالت را روی سر تمام ایرانیان می‌گسترانم. امامتاسافنه چتر فساد گسترانده شده. هیچ برخورد قاطعی با مقسودین هفت تپه تا کنون از طرف قوه قضاییه نشده و فقط ماماشات و مسامحه از آقای رئیسی دیده ایم و دلایلش اینست که آقایان ریشه دوانده اند در تمام قوا و در تمام نظام جمهوری اسلامی ریشه دوانده اند و هر جا که می بینید نفر دارند." این چنین است که در این روز نیز نیشکر هفت تپه صدای اعتراض کل جامعه علیه دزدی ها و چپاول ها بود و باز هم درخشید.

در فولاد اهواز کارگران از همان آغاز صبح با پخش شهربینی در بخش های مختلف شرکت روز جهانی کارگر را گرامی داشتند و از قبل نیز با بیانیه ای کوبنده این روز همبستگی جهانی کارگران را گرامی داشتند.

اول ماه مه امسال ویژه بود و رنگ و روی اوضاع پر تلاطم جامعه و جنبش کارگری را داشت. ابعادی توده ای و اجتماعی داشت.

از خانواده های جانباختگان و دادخواه تا کارگر و معلم و باننشسته و دانشجو این روز را گرامی داشتند و به مناسبت آن پیام دادند. از روزهای قبل به این مناسبت چندتن از مادران دادخواه به این مناسبت پیام جمعی دادند. از درون زندان سجاد شکری پیام داد و روز جهانی کارگر را شادباش گفت. دختر شاپور احسانی راد فعال کارگری زندانی به مناسبت این روز پیام داد و روز جهانی کارگر را به پدرش شادباش گفت و فعالین کارگری و اجتماعی همچون پروین محمدی نایب رئیسی هیات مدیره اتحادیه آزاد، محبوبه فرحزادی معلم باننشسته، پروین نخستین فعال دفاع از حق هویت و فعال دفاع از حقوق زن، علی نجاتی از فعالین شناخته شده کارگری،

احمد امینی نماینده سابق کارگران فولاد زاگرس قروه و محمود صالحی از چهره های شناخته شده کارگری از جمله پیام دهندگان این روز بودند.

در اول ماه مه امسال نیز کارگران با قطعنامه هایشان به استقبال این روز رفتند و قطعنامه ای با امضای ۱۵ تشکل و قطعنامه دیگری با امضای ۱۳ تشکل کارگران و معلمان و باننشستگان را منتشر نمودند و کیفرخواست خود را علیه کل بساط سرمایه داری حاکم و دزدان حکومتی اعلام کردند. امضا کنندگان این قطعنامه ها تشکلهای و گروههای کارگری، باننشستگان، معلمان، دانشجویان، مدافعین حقوق زن، حقوق کارگر، کارگران غیر رسمی نفت و فولاد اهواز بودند. قطعنامه هایی که یک محور مهم آنها اعتراض به زندگی زیر خط فقر و تاکید بر افزایش حقوقها به بالای دوازده میلیون و برچیده شدن حقوقهای نجومی بود.

همینطور بر آزادی تمامی زندانیان سیاسی و آزادی های سیاسی و پایه ای چون حق تشکل، حق تجمع و حق تحزب، برابری زن و مرد و لغو قوانین ضد زن، حقوق کودک و ممنوعیت کار کودکان، بیمه های پایه ای اجتماعی چون درمان رایگان و تحصیل رایگان و واکسیناسیون رایگان و همگانی و جمع شدن بساط پیمانکاران و لغو قوانین ویژه اقتصادی تاکید داشت. بعلاوه تشکلهای و گروههای مبارزاتی مختلف بر اساس مطالباتی از همین دست قطعنامه ها و بیانیه های خود را داشتند. نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز، کارگران غیر رسمی نفت نیز از قبل بیانیه های خود را منتشر کرده بودند.

اول ماه امسال در چند دهه گذشته از نظر گستردگی و شرکت بخشهای مختلف کارگران و باننشستگان و معلمان و زنان و دانشجویان بی سابقه بود و صفحه درخشانی از اتحاد و عزم طبقاتی کارگران را به نمایش گذاشت.

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر پیش بسوی اعتصابات سراسری پیش بسوی ایجاد شوراها حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۹، مه ۲۰۲۰

گزارشات تصویری از شرکت بخشی از واحدهای تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری در برنامه های اول مه در خارج کشور!

شرکت واحدهای تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران در برنامه های اول مه در شهرهای فرانکفورت، کلن، کاسل، هانوفر، نورد هاووزن ایالت تورینگن و شهر زیگن در آلمان؛ کپنهاک در دانمارک؛ آمستردام و خرونینگن در هلند، وین در اتریش و استکهلم در سوئد.



کلن - آلمان



خورنینگن - هلند



سیدنی - استرالیا



فرانکفورت - آلمان



کاسل - آلمان



هانوفر - آلمان



سوئد - استکهلم



کپنهاک - دانمارک

از مادیات اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

فراخوانی به همه معلمان

چرا باید برای دانش‌آموزان از یک می‌گفت؟

جعفر ابراهیمی



فشار و سرکوب هستند و قادر نیستند صدایشان را عمومی کنند. در این میان وجود تشکل‌های ضد کارگری منتسب به کارگران باعث به انحراف کشیده شدن مطالبات کارگری، اطلاع‌رسانی و آموزش حقوق ایشان و مناسبت‌های کارگری شده‌است. عامل دیگر، نگاه تحقیرآمیز به کارگران است.

این در حالی است که چرخ تولید را زحمتکشان بر دوش می‌کشند، بدون نیروی کار عملاً جامعه فلج است و سرمایه‌داران چیزی برای چپاول ندارند و علی‌رغم تکریم نمایشی کارگران از سوی نهادهای رسمی و حاکمیتی، اکثر دانش‌آموزان طبقه کارگر دوست دارند پدران و مادران کارگر خود را دارای شغل آزاد تصور کنند، گویی واژه کارگر تحقیرآمیز است. البته چه انتظاری می‌توان از دانش‌آموزان داشت وقتی طبق قانون رسمی کار، معلم تحصیل کرده - مستقل از تعریف طبقه و این‌که معلمان در طبقه کارگر قرار می‌گیرند یا نه - کارگر تلقیمی شود (مانند معلمان بخش خصوصی، مربیان مهدها، معلمان خرید خدمتی، معلمان حق‌التدریس و ...) و با این وجود خود را متوهمانه در طبقه موهوم متوسط دسته‌بندی می‌کنند؟

با تمام این تفاسیر، دانش‌آموزان (به‌خصوص آن‌ها که از خانواده کارگری می‌آیند یا در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش‌برای ورود به بازار کار در راستای تأمین نیاز بازار آموزش داده می‌شوند) باید تاریخ طبقه کارگر را بشناسند. آن‌ها باید

حدود بیست سال است که در مناطق حاشیه‌ای و عمدتاً کارگری تدریس می‌کنم. بسیاری از دانش‌آموزانم در شیفت مخالف کار می‌کنند، به عبارتی کارگر-دانش‌آموز یا دانش‌آموز-کارگر محسوب می‌شوند؛ کارگرانی که از کمترین حقوق برخوردارند و در مورد حقوق‌کار هیچ نمی‌دانند. هر سال در آستانه اول می‌مصادف با ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر، از دانش‌آموزانم می‌پرسم آیا می‌دانند روز ۱۱ اردیبهشت چه روزی است؟ تا کنون پیش نیامده دانش‌آموزی جواب مثبت بدهد مگر این‌که دانش‌آموز سال قبل باشد و صحبت‌هایم در خاطرش مانده باشد. برخی هم ۱۱ اردیبهشت را با ۱۲ اردیبهشت اشتباه می‌گیرند و فکر می‌کنند روز معلم است. بگذریم که علت نامگذاری روز معلم را همان روایت رسمی و حکومتی یعنی سالروز کشته‌شدن مطهری بیان می‌کنند و دکتر ابوالحسن خاندلی رانمی‌شناسند.

این مقدمه را گفتم که تأکید کنم نظام آموزشی و رسانه‌های مسلط و رسمی چگونه دانش‌آموزان را از آگاهی در مورد یک مناسبت بسیار مهم محروم کرده‌اند؛ دانش‌آموزانی که اکثرشان در بهترین حالت بعد از دیپلم راهی باز کار می‌شوند اما از پیشینه روز کارگر و مبارزاتی که کارگران جهان برای تحقق مطالباتشان متحمل شده‌اند، اطلاعی ندارند. در کنار رویکرد نظام آموزشی شاید یکی از علل این ناآشنایی، فقدان تشکل‌های قدرتمند مستقل در ایران است. تشکل‌های مستقل موجود نیز زیر انواع

نقش معلمان آگاه و پیشرو این است که تاریخ مبارزات کارگران را برای دانش‌آموزان تشریح کنند؛ از اولین بزرگداشت اول می، روز جهانی کارگر، در سال ۱۴۰۰ برای دانش‌آموزان بگویند و هنگامی که تاریخ تدریس می‌کنند، نشان دهند که هرگاه استبداد حاکم شده‌است، حقوق کارگران به حاشیه رفته و جلوی برگزاری مناسبت‌های مربوط به آن‌ها گرفته شده‌است. باید به دانش‌آموزان گفته شود که هر دوره آزادی و شکوفایی در تاریخ معاصر همراه با دوره فعالیت تشکل‌های کارگری بوده‌است و هر زمان حاکمیت قصد یکپارچه کردن قدرت خود را کرده‌است، کارگران و تشکل‌های مستقل کارگری را حذف کرده‌است و تشکل‌های زرد کارگری را به نام کارگر علیه کارگران علم کرده‌است. اول می، صرفاً یک مناسبت کارگری نیست بلکه بهانه‌ای است برای گفت‌وگو در مورد حقوق پایمال شده دانش‌آموزانی که پدر کودکی کارگر شده‌اند. این وظیفه ماست! / مدرسه بازتاب

از کانال «معلمان عدالتخواه»

مالکیت در شکل امروزی خود بر مدار تضاد میان سرمایه و کار می‌گردد. هر دو جانب این تضاد را بررسی کنیم. سرمایه دار بودن یعنی داشتن مقامی در عرصه تولید که تنها شخصی نیست، بلکه اجتماعی نیز هست. سرمایه محصول جمعی است و تنها به نیروی کار مشترک عده زیادی از اعضای جامعه و در آخرین تحلیل تنها به نیروی کار مشترک همه اعضای جامعه می‌تواند به گردش در آید.

پس سرمایه قدرت شخصی نیست، بلکه قدرت اجتماعی است. بنابراین اگر سرمایه به مالکیت جمعی همه اعضای جامعه تبدیل شود، این امر به معنای تبدیل مالکیت شخصی به مالکیت اجتماعی نخواهد بود. در اینجا فقط خصلت اجتماعی مالکیت تغییر می‌کند، یعنی مالکیت خصلت طبقاتی خود را از دست می‌دهد.

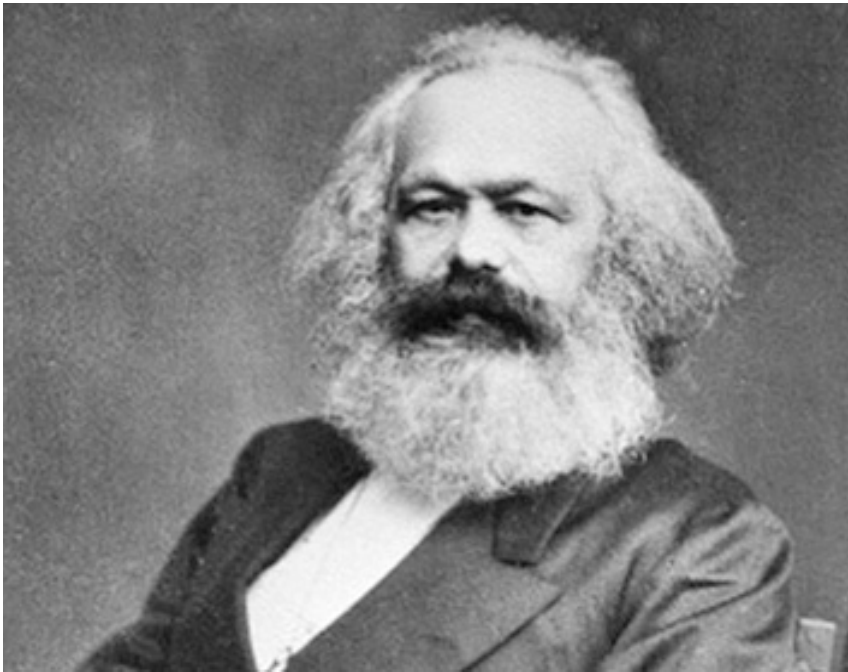
کارل مارکس

مانیفست کمونیست

ما کمونیست‌ها را سرزنش می‌کنند که می‌خواهیم مالکیتی را که افراد شخصاً به دست آورده و حاصل کار خودشان است، مالکیتی را که بنیاد هر گونه آزادی و فعالیت و استقلال فردی را تشکیل می‌دهد، براندازیم. مالکیت شخصی حاصل کار و لیاقت خودشان!

شاید شما از آن مالکیت خرده - بورژوازی و خرده دهقانی که پیش از مالکیت بورژوازی وجود داشته است سخن می‌گوئید؟ ما را نیازی به برانداختن آن نیست، پیشرفت صنعت آن را برانداخته و هر روز در کار برانداختن آن است.

یا شاید از مالکیت بورژوازی امروزی سخن می‌گوئید؟ ولی مگر کار مزدوری، کار پرولتر، برایش مالکیت ایجاد می‌کند؟ به هیچ وجه. این کار، سرمایه یعنی مالکیتی را ایجاد می‌کند که کار مزدوری را استثمار می‌کند که فقط در صورتی می‌تواند افزایش یابد که کار مزدوری تازه ای پدید آرد تا باز به استثمار آن بپردازد.



ادامه از مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۱۶

تولد آنکه گفت تغییر دنیا لازم است!

امروز ۵ ماه مه است. روز تولد کارل مارکس! آدمهای زیادی از اهمیت مارکس گفته اند و می گویند. بعضا درباره اهمیت او خوانده و بعضا شنیده اند و قانع شده اند. اما زمانی که در شرایطی قرار می گیری و فراهم آوردن پیش پا افتاده ترین مایحتاج زندگی مایه دردسرت می شود؛ مثلا پول کرایه خانه نداری. پول تهیه کردن دو سه وعده غذا در روز را نداری. پول پرداخت دوا و دکتر را نداری. پول پرداخت قسط خانه و یا ماشین و یا هر چیز ضروری برای زنده ماندن را

نداری؛ پول ثبت نام کودکت در این و یا آن کلاس و این اش را نداری؛ آنوقت قدر آن "متد"، آن متدی که می گوید: "فلاسفه تا بحال فقط دنیا را تفسیر کرده اند، اما مسئله تماما بر سر تغییر آن است" را با تمام پوست و گوشتت لمس می کنی! اینجا دیگر کسی لازم نیست قانعت کند که مارکس اهمیت دارد. خود زندگی درسش را بهت داده است.

تولدت مبارک!
۵ مه ۲۰۲۱

معلمان زندانی را آزاد کنید

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان:

اسماعیل عبدی و محمدرضا رمضانزاده دو عضو کانون صنفی معلمان ایران در زندان نگهداری می شوند. دهها معلم دیگر نیز در سالهای اخیر به دلیل فعالیت های صنفی به دادگاه و مراجع امنیتی احضار، بازداشت و محاکمه شده اند. آموزش و پرورش، معلمان پیگیر حقوق صنفی را از کار اخراج کرده است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان در بیانیه ای خواستار آزادی همه معلمان در بند شده و از معلمان خواسته تا برآورده شدن مطالبات شان به هرگونه مراسم دولتی نه بگویند.



بغداد: بیلبورد خامنه ای خمینی پایین کشیده شد

پس از نصب تصاویر رهبران جمهوری اسلامی ایران در بغداد، روز چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت اهالی الاعظمیه دست به تجمع اعتراضی زدند تا بیلبورد را پایین بیاورند. اعتراض وسیع مردم عراق نخست وزیر عراق را وادار کرد که دستور بدهد بیلبورد پایین کشیده شود.



زنده باد مردم عراق

در سالهای گذشته یک محور اعتراض مردم عراق علیه جمهوری اسلامی و دار و دسته های مسلح اسلامی بوده است. مردم در ابعادی توده ای اعلام کرده اند که جمهوری اسلامی باید گورش را گم کند و هر جا تصاویری از خمینی و خامنه ای و سلیمانی نصب شده توسط مردم به آتش کشیده شده است.

مردم عراق و ایران همسرنوشتی عمیقی دارند. سرنگونی جمهوری اسلامی خواست مردم عراق هم هست و با سرنگونی جمهوری اسلامی بسرعت حکومت قومی اسلامی در عراق نیز به زیر کشیده میشود.



ادامه مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۱۷

ای کرونا ای منبع سود سرشار کیوان جاوید



شرکت داروسازی فایزر اعلام کرده است پیش‌بینی می‌شود با ادامه تقاضای بالا برای خرید واکسن فایزر، این شرکت تا پایان سال ۲۰۲۱ حدود ۲۶ میلیارد دلار درآمد کسب کند.

امروز که مردم برزیل و هند و ایران و بقیه شهروندان جهان در حسرت تزریق واکسن کرونا جان می‌بازند، در آن سوی خط صاحبان شرکت هایی جشن می‌گیرند و پای می‌کوبند که چه سود سرشاری از وجود کرونا نصیب برده اند. صاحبان شرکت فایزر در پوست خود نمی‌گنجد. آنها راز پولدارتر شدن را بدست آورده اند. هر چه کرونا بیشتر گسترش یابد سود این صاحبان سرمایه که دانش را اسیر خود کرده اند نیز بیشتر می‌شود.

کرونا در مقابل خطرناکی نظام سرمایه داری جهانی و این سیستم بی رحم بازار آزاد چیز قابل توجهی نیست. ویروس بزرگتری بجان بشر افتاده است. برای نجات نوع بشر، ویروس سرمایه داری باید از بین برود. سوسیالیسم تنها راه نجات مردم در سراسر این کره خاکی از منجلاب سرمایه داری است.

خواست فوری و بی‌کم و کاست مردم جهان باید واکسیناسیون فوری و رایگان و همگانی باشد. دارو و درمان و واکسن و هر آنچه که به بهداشت عمومی مربوط می‌شود باید از دست بازار آزاد خارج شود و به دارایی عمومی تبدیل گردد.

کرونا جهان را در نور دیده است. بیش از ۱۵۰ میلیون آلوده به ویروس کرونا و بیش از سه میلیون کشته جدیدترین آمار رسمی انتشار کرونا در جهان است. سه میلیون کشته ای که عموماً از فقیرترین و کم درآمدترین شهروندان جهان بودند. کرونا کارگران را به خاک سیاه نشاند و سفره‌ها را خالی تر کرد و گرسنگی را عمومی تر کرد. شرایط کرونایی تجاوز و خشونت بر زنان را به صورت وحشتناکی عمومیت داد.

کرونا به هر کجا که رسید قربانی گرفت. با این همه این کرونا نیست که جهان را به خاک سیاه نشانده است. این نظام حاکم بر جهان است که مرگ و نیستی و بیماری را دستمایه سود پرستی خود کرده است.

نمونه شرکت فایزر بسیار گویا است. در حالی که حاکمان جهان تریلیون دلار صرف جنگ‌ها خود می‌کنند، در حالی که فقط ۱۰ مولتی میلیارد جهان به اندازه ۱۰۰ سال کل بشریت ساکن بر زمین پول به جیب زده اند و در حالی که با سرمایه ۲۳۰ میلیارد دلاری رئیس شرکت آمازون می‌شود

اطلاعیه های حزب

همبستگی کارگران غیر رسمی نفت از فراخوان کارگران رسمی برای تجمع

ساعت ده صبح ۲۰ اردیبهشت تجمع برگزار خواهد شد

علاوه بر کارگران غیر رسمی نفت قبلا نیز بازنشستگان نفت استان تهران و استان البرز حمایت خود را از فراخوان کارگران رسمی نفت اعلام کرده اند.

اطلاعیه حمایت کارگران غیر رسمی نفت از فراخوان کارگران رسمی و به میدان آمدن کارگران نفت در چنین ابعاد وسیعی یک رویداد مهم است. این حرکت گام دیگری در به جلو بردن خواست افزایش دستمزدها به بالای دوازده میلیون و دو مطالبه کلان کارگری یکی لغو قوانین ویژه اقتصادی و دیگری کوتاه شدن دست پیمانکاران است که بیش از ۹۶ درصد از کارگران تحت چنین قرارداد برده واری به کار اشتغال دارند. از این مبارزات باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد و اخبار آنرا وسیعا بازتاب داد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری حزب کمونیست کارگری ایران ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۰، ۶ مه ۲۰۲۱

نفت که در شرایط سخت، دشوار و دور از شهر و تمدن مشغول بفعالیت می باشند و پایان دادن به تحمیل مالیاتهای سنگین و تصاعدی، پرداخت کامل پاداش بازنشستگی بر اساس سنوات خدمت پرسنل بدون رعایت سقف پاداش ۳۰ سال در قانون خدمات کشوری، بازبینی چارت وزارت نفت، سمت های حذف شده و افزایش گرید سمتهای مناطق عملیاتی، رفع مشکل انتقالی کارکنان شرکت های واگذار شده، که بدور از کرامت انسانی و همانند کالا با تجهیزات به بخش خصوصی واگذار شده و بنحوی تا پایان خدمت و بازنشستگی همچون اسیر محکوم بخدمت در همان نقطه می باشند، حل مشکل دانشجویان و نخبگان دانشگاه نفت جهت استخدام و تزریق خون تازه در پیکره صنعت نفت، بهبود وضعیت بهداشت و درمان صنعت نفت برای تمام کارکنان، تخصیص وام های مناسب به تمامی کارکنان رسمی از طریق صندوق نفت، تعیین تکلیف و رفع مشکل تعدیل مدرک کارکنان رسمی.

اطلاع چنین خواستهایی اعلام کرده و مینویسند: بر محوریت این خواستها که خواستهای فوری ماست و بر محوریت این مطالبات ما کارگران غیر رسمی نفت از فراخوان ۲۰ اردیبهشت شما حمایت میکنیم و در کنارتان قرار داریم.

در این بیانیه کارگران غیر رسمی نفت حمایت قاطع خود را از مطالبات اعلام شده کارگران نفت اعلام کرده اند. مطالبات اعلام شده کارگران نفت در فراخوان بیستم اردیبهشت عبارتند از: اجرای ماده ده (جدول بدو استخدام سال ۹۳ و تسری آن به کلیه پرسنل استخدامی قبلی)، ابطال اساسنامه سرهم بندی شده مقامات دست اندر کار در خصوص صندوقهای بازنشستگی نفت که نهادی غیر دولتی و متعلق به پرسنل نفت است، پرداخت فوق العاده مناطق جنگی بر اساس ماده ۱۱۲ خدمات کشوری به کارکنانی که در این مناطق در حال خدمت هستند، اصلاح قانون مالیات بر حقوق کارکنان

پیوندهای بسیاری با هم دارد و با مبارزات متحدانه مان باید این مرز گذاری رسمی و غیر رسمی را بشکنیم و نیروی بزرگی در برابر تعرضات هر روزه به زندگی و معیشتمان شویم. در ادامه در این بیانیه بر خواستهای افزایش پایه دستمزدها به بالای ۱۲ میلیون، لغو قوانین ویژه مناطق اقتصادی، کوتاه شدن دست پیمانکاران و دائمی شدن قراردادهای موقت و پیمانی، پرداخت بموقع حقوقها و پرداخت طلبهای مزدی همه کارگران، داشتن ایمنی محیط کار با استانداردهای قابل قبول، پایان دادن به فضای امنیتی در نفت و مراکز وابسته و داشتن حق تشکل، حق تجمع، حق اعتراض، برخورداری از امکانات قابل قبول درمانی رایگان برای تمامی کارگران، اجرائی کردن پروتکلهای سازمان بهداشت جهانی و واکیسناسیون رایگان و همگانی برای مقابله با بیماری مرگبار کرونا به عنوان خواستهای کلیدی تمامی کارگران نفت چه رسمی و چه غیر رسمی تاکید شده است. این کارگران با

کارگران غیر رسمی نفت طی بیانیه ای حمایت خود را از فراخوان کارگران رسمی نفت به تجمع در مقابل مجلس اسلامی اعلام کرده اند. همانطور که گزارش کردیم کارگران رسمی نفت در اعتراض به مصوبه پنجم اردیبهشت مجلس اسلامی و به اجرا گذاشته شده آن در خصوص "افزایشهای ۱۴۰۰" و حذف برخی از آیتم های حقوقی شان و با خواست افزایش دستمزدهایشان این تجمع را فراخوانده اند.

در بخشی از بیانیه کارگران غیر رسمی نفت چنین آمده است: "ما کارگران غیر رسمی و پیمانی نفت حمایت قاطع خود را از همکاران رسمی مان و اعتراض آنان به گسترش تعرضات به زندگی و معیشت خود اعلام میکنیم. این تعرضات بدون شک دامنگیر ما نیز خواهد شد و فشار کاری و معیشتی را بر همه کارگران نفت و موسسات وابسته به آن شدت خواهد داد. ما بر این باور هستیم که خواستهای ما کارگران غیر رسمی و رسمی

محکومیت جمهوری اسلامی باید قدم اول در بایکوت جمهوری اسلامی باشد

اسلامی در ایران فاقد هر نوع حق و حقوقی است! به سنت دوران سیاه سلطه کلیسا در قرون وسطی انسان حتی حق اندیشیدن و فکر کردن هم ندارد.

امروز مردم، کمر به لغو قوانین سیاه و انسان ستیز این نظام و سرنگونی آن بسته اند. یک اقدام مهم در حمایت از مبارزه عادلانه مردم ایران، فشار به دول غربی برای بایکوت جمهوری اسلامی است.

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۶ مه ۲۰۲۱

حکومت اسلامی از کلیه نهادهای بین المللی، بستن سفارتخانه هایش و دستگیری و محاکمه هر کدام از مقاماتش که جرات کنند به خارج سفر کنند، تبدیل شود.

دولت آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی به دلیل نژاد پرستی محکوم و بایکوت شده بود. نظام سیاه اسلامی نیز با سابقه ۴۲ سال جنایت سیستماتیک علیه مردم، ۴۲ سال شکنجه و قتل و جنایت و اعدام و سنگسار و ترور و آدم ربایی و زن ستیزی و شلیک عامدانه به هوایمهای مسافربری و هزار جنایت دیگر باید بایکوت شود.

انسان در نظام ضد انسانی

تشکیل گروه، آزادی دین یا اعتقادات، و آزادی بیان اثر می گذارد. شهروندان خارجی، افرادی با تابعیت دوگانه و مدافعان حقوق بشر با بازداشت های خودسرانه، دستگیری ها و احکام سنگین زندان روبرو بوده اند و باید آزاد شوند.

اما نگرانی کافی نیست رژیم اسلامی در ایران باید به جرم جنایت علیه بشریت محکوم شود. نگرانی باید به بایکوت سیاسی و نظامی و ورزشی و فرهنگی تبدیل شود. این حکومت نماینده مردم ایران نیست، قاتل و شکنجه گر زنان و مردان و پیر و جوان است، نگرانی باید به بیرون انداختن

بعد از ۴۲ سال ترور، اعدام، سنگسار، شکنجه و گروگانگیری، "گروه جی ۷" حکومت تبهکاران اسلامی در تهران را بخاطر صدور تروریسم به منطقه و جهان، غنی سازی اورانیوم و خطر موشکهای بالستیک محکوم کرد و از دولت تروریست اسلامی حاکم بر ایران خواستند که: "تقشی سازنده در تقویت صلح و ثبات منطقه بازی کند". و دست آخر در مورد سرکوب و اختناق ۴۲ ساله رژیم اسلامی در ایران نوشتند: "ما عمیقا نگران ادامه موارد نقض حقوق بشر در ایران هستیم، از جمله مواردی که بر استفاده از حق آزادی تجمع، حق آزادی

#BoycottIranRegime

دانش آموزان علیه برگزاری حضوری امتحانات

در بیش از ۲۰ شهر دست به تجمع زدند



در این بیانیه با اشاره به اینکه دیر زمانی است که چوب و ترکه، شلنگ و شلاق، فلک و هیبت از کلاس و مدرسه و خانه رخت بر بسته است، نوشتند: نیروهای انتظامی به چه حقی به خود اجازه می دهند با فرزندان نوجوان میهن که در اوج غرور و احساس هستند، چنین بی محابا و خشن برخورد کنند! آیا پلیسی که برای دختر و پسر نوجوان اسپری فلفل و باتوم و خشم را به کار می برد در برابر اعتراض فرزند خویش نیز چنین ردیلا نه برخورد میکند؟!

این انجمن در پایان خطاب به مسئولان قضایی و دادستانها خواهان محاکمه افراد خاطی و دلجویی از جامعه دانش آموزی و خانواده های آنها شد.

روز چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۴۰۰، شماری از دانش آموزان مقطع نهم و دوازدهم تحصیلی، در پی فراخوان قبلی و در اعتراض به برگزاری امتحانات نهایی به صورت حضوری علیرغم شیوع ویروس کرونا، دستکم در ۱۴ شهر، تجمعات اعتراضی برپا کردند که در برخی شهرها با ورود نیروهای انتظامی منجر به خشونت و ضرب و شتم شماری از دانش آموزان شد.

فراید اعتراض خود را به این تصمیم آموزش و پرورش نشان داده اند.

در شهر یزد نیروهای سرکوبگر با حمله وحشیانه به دانش آموزان و پاشیدن اسپری فلفل به صورت دختران و پسران نوجوانی که نگران سلامت خود هستند سعی در متفرق کردن آنها داشت و در این میان دو نفر را هم بازداشت کرده اند.

در قزوین نیز نیروی انتظامی، تعدادی از دانش آموزان را به محوطه اداره آموزش و پرورش کشاند و آنها را مورد ضرب و شتم قرار داد و تا عصر در محوطه اداره محبوس و سپس آزاد نمود. دانش آموزان دستگیر شده بیش از ده نفر بودند و بین ۱۵ تا ۱۸ سال داشتند.

حمله وحشیانه از سوی نیروهای انتظامی به دانش آموزان با واکنش اعتراضی بسیار روبرو شده است. از جمله انجمن های صنفی معلمان یزد، سقز و زیویه و همینطور خراسان شمالی در بیانیه هایی جداگانه ای حمله وحشیانه به دانش آموزان معترض را محکوم کرده اند.

انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی با انتشار بیانیه ای برخورد خشونت آمیز نیروهای انتظامی با دانش آموزان را محکوم کرد

از زمان شیوع ویروس کرونا موضوع برگزاری امتحانات و اصرار آموزش و پرورش در حضوری برگزار شدن آن باعث بروز نگرانی هایی در میان دانش آموزان و خانواده هایشان شده است.

از همین رو در روزهای گذشته با اعلام حضوری شدن امتحانات دو مقطع نهم و دوازدهم، اعتراضات دانش آموزان، خانواده ها و حتی معلمان بر سر این مسئله شکل تازه و سراسری ای به خود گرفته است. از جمله در این هفته شهرهای تهران، قزوین، کرج، اهواز، یزد، شیراز، کرمانشاه، زنجان، بروجرد، خرم آباد، سمنان، شهرکرد، اردبیل، بیرجند، اصفهان، شیراز، فولادشهر، ماهشهر، شهرکرد و کرمانشاه صحنه برگزاری تجمعات اعتراضی دانش آموزان مقابل ساختمان های آموزش و پرورش بوده است. علاوه دانش آموزان و معلمان با پخش کلیپ های اعتراضی خود در مدیای اجتماعی گفتار وسیعی در مخالف با امتحانات حضوری به راه انداخته اند.

دانش آموزان و خانواده های آنان در این تجمعات با شعارهای "امتحان حضوری نمی خواهیم"، "امتحان حضوری با کرونا نمی شه"، "دانش آموزان می میرند ذلت نمی پذیرند"

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۹

محکومیت کاردار جمهوری اسلامی در بلژیک

محکومیت اسدالله اسدی دبیر سوم سفارت ایران در وین ضربه ای مهم به حکومت اسلامی

روز گذشته اسدالله اسدی، دیپلمات جمهوری اسلامی در اتریش به جرم برنامه ریزی برای بمب گذاری در گردهمایی مجاهدین در دادگاهی در بلژیک به ۲۰ سال زندان محکوم شد. این خبر را وکلای او اعلام کرده اند و گفته اند که او تقاضای فرجام خواهی نخواهد کرد. مقامات دولت بلژیک تاکید کرده اند که آنها با هرگونه معامله این تروریست و مبادله با گروگان های جمهوری اسلامی مخالفند و اجازه نخواهند داد که او مبادله شود. دادگاه بلژیک نیز تاکید کرده است که این تروریست حکومت اسلامی نباید مبادله شود.

محکومیت این تروریست بعد از بی نتیجه ماندن تلاش های جواد ظریف و پیشنهاد مبادله از جانب وزارت اطلاعات انجام گرفت و دولت بلژیک امکان مبادله را منتفی اعلام کرد. در تمام طول حاکمیت این نظام تروریستی و ضد بشری در ایران ما با صدای رسا اعلام کردیم که سفارت خانه های این رژیم در اروپا مراکز جاسوسی و ترور هستند و باید بسته شوند! اعلام کردیم که بایکوت رژیم پاسخ تروریسم، جاسوسی و جنایات فجیع رژیم اسلامی است و نه سازش و معامله و زدوبند!

ما همچنان اعلام می کنیم که همدوش با میلیونها زن و مرد و پیر و جوان در ایران و جهان برای بایکوت جهانی جمهوری اسلامی که گامی مهم در جهت سرنگونی این حکومت است، ادامه خواهیم داد.

سرنگون باد حکومت جنایتکار اسلامی در ایران!

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۵ مه ۲۰۲۱

چهل و دو سال است که ترور، قتل، آدم ربایی، سنگسار و شکنجه سیاست عمده و علت وجودی نظام اسلامی در داخل و خارج از کشور است، ترور و گروگانگیری حتی بنیاد رابطه این به اصطلاح دولت با دول دیگر را تشکیل میدهد. محاکمه و محکومیت قطعی دیپلمات تروریست نظام اسلامی اسدالله اسدی در دادگاهی در اروپا بعد از ۴۲ سال ترور، اعدام در ملاء عام، شکنجه و اعتراف کشتی و گروگانگیری بیشک ورق جدیدی در روابط تروریستی حکومت اسلامی با دول اروپایی است

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

سایت روزنه

www.rowzane.com

سایت جوانان کمونیست

www.cyoiran.com